



علیوردی‌نیا، اکبر و میرزایی، سمیه (۱۳۹۸). دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار آنومی نهادی مسنر و روزنفلد و فشار عمومی اگنو در کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۳۵۷-۳۱۷.

دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار آنومی نهادی مسنر و روزنفلد و فشار عمومی اگنو در کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان

اکبر علیوردی‌نیا^۱ و سمیه میرزایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

دانشجویان به عنوان قشری خاص و البته مهم از جامعه علاوه بر فشارهای متداولی که همه انسان‌ها کم و بیش با آن‌ها مواجهند به سبب ایفای نقش دانشجویی نیز تحت فشارهای خاصی قرار دارند. مطابق با ادبیات نظریه‌های فشار، افزایش فشار با افزایش احتمال رفتار انحرافی و مجرمانه مرتبط است. هدف از این مقاله ارائه و بومی‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌هایی در جهت کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان بر مبنای دلالت‌های سیاستی منتج از نظریه‌های فشار معاصر است. در این مقاله با روش اسنادی پس از پرداختن به مباحث نظری، مفاهیم و دلالت‌های سیاستی منبعث از نظریه‌های فشار از منظر جامعه‌شناختی، به برنامه‌های اجرا شده منتج از این دلالت‌ها در سایر کشورها پرداخته شده است. در پایان، دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار در خصوص کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان در سه سطح خرد، میانه و کلان و برنامه‌های پیشنهادی ملهم از این سیاست‌ها در قالب سه دسته کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت بومی‌سازی و ارائه گردیده است. سیاست‌گذاران با در نظر گرفتن شرایط و چگونگی اجرای این برنامه‌ها و با لحاظ شرایط بومی داخل کشور با ضریب اطمینان بیشتری قادر به سیاست‌گذاری صحیح و ارائه برنامه‌های کارآمد و موثر در پیشگیری از جرایم بر مبنای نظریات علمی خواهند بود. حاصل جلوگیری از هدر رفت هزینه، زمان و منابع کشور و بازدهی بالاتر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: دلالت‌های سیاستی؛ نظریه‌های فشار معاصر؛ دانشجویان؛ اگنو؛ مسنر و روزنفلد.

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، aliverdinia@umz.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری بررسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران، s.mirzaee@stu.umz.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

دانشجویان به عنوان قشری خاص و البته مهم از جامعه با فشارهای متعددی مواجهند که در سطح خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد، آنان دوره انتقالی از دوران نوجوانی به جوانی را تجربه می‌کنند که می‌تواند یکی از پر تنش‌ترین شرایط زندگی فرد باشد. علاوه بر فشارهای متداولی که همه انسان‌ها کمابیش با آن‌ها مواجهند، که در قالب حوادث استرس‌زای زندگی می‌توان از آن یاد کرد، به سبب ایفای نقش دانشجویی نیز تحت فشارهای خاصی قرار دارند. تلاش برای حفظ نمرات خوب، برنامه‌ریزی برای آینده و دوری از خانه اغلب موجب اضطراب برای بسیاری از دانشجویان می‌شود (شمسایی و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر آن وجود روابط منفی میان دانشجو با اساتید، کارکنان یا همکلاسی‌ها در دانشگاه نیز می‌تواند فشارها را بر آنان افزایش دهد. یافته‌های حاصل از پژوهشی حاکی از آن بود که دانشجویان نقش خود را در قالب واژه‌های پرولتاریا و کارگر توصیف می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۸). همچنین دانشجویان هیچ امیدی به آینده شغلی خود ندارند و داشتن تحصیلات دانشگاهی که امروزه تبدیل به یک اجبار اجتماعی گردیده است نه تنها فرصتی بیشتر برای دستیابی به اهداف مرسوم را برایشان فراهم نساخته که بر هزینه‌های آنان نیز افزوده است. صرف زمان، انرژی و بعضاً پول فراوان بدون این که امیدی به نتیجه و ثمره آن داشته باشند مایوس کننده است. بی‌انگیزگی فزاینده و باری به هر جهت بودن از نشانه‌های این ناامیدی است. مطالعه قاسمی (۱۳۹۸) نشان داد که دلزدگی، بی‌انگیزگی، خمودگی، بیکاری و نبود امنیت شغلی به صورت فرهنگ ناامیدی حاکم بر دانشگاه از سوی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ادراک گردیده است. از طرفی برچسب تحصیلات دانشگاهی داشتن نیز مانع آن است که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تن به هر شغلی دهند. شغل‌هایی که اگر پس از گرفتن مدرک دیپلم بدان‌ها پرداخته بودند پس از گذران ۴ تا ۶ سال در آن حرفه جا افتاده و به قولی استادکار می‌شدند. اگر چه در شرایط فعلی کشور و مشکلات ناشی از تحریم‌ها نیز حتی امکان فعالیت در چنین حرفه‌هایی و دستیابی به موفقیت در آن‌ها برای هر فردی سوای تحصیلکردگان دانشگاهی نیز بسیار سخت و ناممکن گردیده است.

تحقیقات مختلف داخلی و خارجی حاکی از بروز رفتارهای انحرافی از سوی دانشجویان است که بر وجود فشار به عنوان یکی از علل وقوع چنین رفتارهایی تاکید کرده‌اند (نگاه کنید به: کوهوت^۱، ۲۰۱۹؛ هاک^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ یون^۳، ۲۰۱۶؛ جان و چوی^۴، ۲۰۱۵؛ علیوردی‌نیا و

1- Kohut

2- Huck

3- Yun

4- Jun & Choi

یونسی، ۱۳۹۴؛ علیوردی‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۱). به عنوان مثال نتایج تحقیق جان و چوی (۲۰۱۵) حاکی از آن بود که فشارهای آکادمیک از طریق احساسات منفی تاثیر غیر مستقیم بر اعتیاد اینترنتی دانشجویان دارد. همچنین مطالعه هاک و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد که حذف محرک مثبت در دانشجویان بر رفتار انحرافی آنان موثر است. نتایج حاصل از تحقیق علیوردی و ریسمانچی (۱۳۹۸) حکایت از آن دارد که حالات عاطفی منفی دانشجویان بر بعد درونی رفتار انحرافی، و بزه‌دیدگی سنتی و سایبری به عنوان منبعی از فشار بر بعد بیرونی رفتار انحرافی تاثیرگذار است. همچنین حیدری و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از نظریه آنومی/فشار نهادی^۱ مسنر^۲ و روزنفلد^۳ نشان دادند که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی میان دانشجویان معنادار است.

از دیدگاه نظریه آنومی نهادی، فشارها در سطح کلان، برخی به عدم توازن نهادی^۴ بازمی‌گردد. فرهنگ عمومی جامعه ایرانی یک فرهنگ سنتی مذهبی است که در آن غلبه با نهاد خانواده و پس از انقلاب نهاد مذهب نیز می‌باشد. در جامعه ما نظام هنجاری، به ویژه قوانین و ارزش‌های مذهبی در هم تنیده‌اند، لذا ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی- از جمله قوانین- و بازیگران نقش‌ها به ارزش‌های مذهبی ربط داده می‌شود (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۴). از سویی دیگر هنجارها و قوانین مبتنی بر مذهب که تفوق ایدئولوژیک بر سایر نهادها دارد با افزایش شهرنشینی، گسترش روزافزون مدرنیته و مصادیق آن همچون اینترنت و ماهواره، نتوانسته است جوابگوی نیازها و مطالبات نسل جدید به ویژه دانشجویان باشد، قشری که بیش از هر قشر دیگری در جامعه در مواجهه با مدرنیته و تحت تاثیر آن قرار دارند. امروزه نگرش‌ها و ارزش‌های نسل جوان دانشجوی بسیار متفاوت‌تر از نگرش‌ها و ارزش‌های والدین‌شان است (مدیری، ۱۳۹۷؛ کفاشی، ۱۳۹۶؛ توسلی و قمریان، ۱۳۹۳؛ ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳؛ احمدی و بی‌تا، ۱۳۹۰). این واقعیت اجتماعی برای دختران دانشجو بعضاً نمود پررنگ‌تری دارد، به عنوان مثال دختران دانشجو بیش از پسران دانشجو خواهان برابری جنسیتی هستند (سراج‌زاده، جواهری و فیضی، ۱۳۹۵). دانشجویان دختر، به ویژه آنانی که از شهرهای کوچک‌تر، روستاها و محیط‌های بسته‌تر وارد فضای دانشگاه می‌شوند، بیش از پسران در معرض چنین دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرند. ظهور اندیشه‌های فمینیستی و برابری خواهانه ارزش‌ها، نگرش‌ها و نیازهایی را برای دختران به وجود می‌آورد که بستر آن در محیط دانشگاهی فراهم‌تر و مقبول‌تر است. این در حالی است که مطالبات آنان با ساختارها و هنجارهای

1- institutional-anomie theory

2- Messner

3- Rosenfeld

4- institutional-imbalance

اجتماعی موجود در کشور هماهنگی ندارد. جوانان به ویژه قشر دانشجویی می‌کوشند تا همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجند. چه‌بسا آنان برای رهایی از بحران شناختی به وجود آمده از ناهماهنگی میان آموزه‌های دینی با تجربه روزانه‌شان دین‌گریزی را در پیش گیرند (ناصری، کاوه و خوراسگانی، ۱۳۹۵: ۹۴). به نظر می‌رسد تفوق نهاد مذهب خود می‌تواند این دین‌گریزی را افزایش داده یا دست‌کم منجر به برخورد گزینشی افراد با دستورات دینی گردد. این امر می‌تواند سبب کاهش نقش نظارتی و کنترلی دین و مذهب بر جوانان خاصه دانشجویان شود.

از سوی دیگر هنگامی که در سطح نهادی، در کشور ما مدارس و دانشگاه‌ها بر حسب توانایی‌شان در آموزش برای بدست آوردن مشاغل پر درآمد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، نشان دهنده تسلط نهاد اقتصاد است و نهادهای دیگر مثل خانواده و مذهب توانایی‌شان را در تنظیم رفتار افراد از دست داده‌اند و لذا مجرای برای ترویج موفقیت‌های مادی شده‌اند. پولی شدن تحصیل در مدارس و دانشگاه‌های کشور، تجاری‌سازی و عناوین مشابهش نظیر کاربردی کردن علوم انسانی در واقع به معنای تجاری‌سازی و بازاری کردن امر آموزش است. این در حالی است که اینک جامعه‌شناسان غربی در پی رام کردن قدرت بازار و آزاد ساختن سایر نهادهای اجتماعی از تسلط اقتصاد هستند. در حال حاضر در ایران نهاد خانواده، ساختار و ترتیبات سازمانی‌اش نظیر ازدواج دایم یا موقت، چند همسری و تک همسری، ازدواج و سن ازدواج، فرزندآوری، تعداد فرزندان کاملاً متأثر از نهاد اقتصاد و ملاحظات اقتصادی است. بهمین سان می‌توان هنجارگسیختگی در حوزه نهاد خانواده نظیر طلاق، ازدواج سفید، روابط فرازناشویی و ... را از این منظر تبیین نمود. البته همانگونه که مسنر و روزنفلد معتقدند، آنچه که اهمیت کلیدی دارد عدم توازن نهادی است و بهم خوردن این توازن به نفع نهاد اقتصاد صرفاً یکی از صور عدم توازن نهادی است. عدم توازن نهادی به نفع تفوق نهاد سیاست و نموده‌های عینی‌اش نظیر رشوه خواری، اختلاس، فساد سیستماتیک مالی و نیز تفوق نهاد مذهب و خانواده که موجب جرایمی نظیر خودکشی زنان و دختران، قتل‌های شرافتی، دگرکشی و فرار دختران از منزل می‌شود بایستی مورد توجه قرار گیرد.

شرایط ناگوار اقتصادی در داخل کشور سایر نهادها و کارکردهای‌شان را تحت الشعاع قرار داده و مختل نموده است. با تداوم تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ایران و در نتیجه وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی در کشور، خانواده دانشجویان بیش از هر چیز دیگری دغدغه‌نا دارند. تامین مایحتاج و مخارج زندگی، که با وجود یک یا چند دانشجوی بیکار در داخل خانه که هزینه‌ی تحصیل‌شان بر دوش والدین سنگینی می‌کند، به مراتب سخت‌تر شده و فشارهای عدیده‌ای را بر

همه‌ی اعضای خانواده وارد می‌کند. نتیجه آن است که اعمال نظارت و کنترل از سوی والدین بر فرزندان و همچنین امکان حمایت‌های عاطفی، شناختی و ابزاری اعضای خانواده از یکدیگر نیز کاهش می‌یابد (کالن و اگنو، ۲۰۰۴). همچنین در شرایطی که شکاف طبقاتی افزایش یافته است، افزایش احساس محرومیت نسبی در دسترسی به ابزارها و فرصت‌های دستیابی به اهداف (سیگل، ۲۰۱۲: ۲۰۴) به مثابه منبعی برای افزایش فشار بر دانشجویان و خانواده‌های آنان قابل ملاحظه است.

آن‌چه که پیشتر ذکر شد همگی به عنوان بخشی از منابع فشار فزاینده وارد بر دانشجویان عمل می‌کنند. مطابق با ادبیات نظریه‌های فشار در جرم‌شناسی، چه در سطح کلان و چه در سطح خرد، افزایش فشار با افزایش احتمال رفتار انحرافی و مجرمانه مرتبط است (ویتو و ماز، ۲۰۱۷؛ سیگل، ۲۰۱۲؛ کالن و اگنو، ۲۰۰۴). به عنوان مثال مطالعه علیوردی‌نیا و یوسفی (۱۳۹۳) نشان داد که بین فشار و حالات عاطفی دانشجویان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و فشار منزلتی، فشار رابطه‌ای و حذف محرک مثبت با تمایل به خودکشی رابطه مستقیم و معناداری دارد. همچنین نتایج تحقیق دیگر توسط علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن بود که احساسات منفی، تحت تأثیر فشار ناشی از قرار گرفتن در معرض محرک منفی و عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، متغیری تأثیرگذار بر رفتارهای وندالیستی دانشجویان بوده است. با توجه به پر فشار بودن زندگی در فضای کنونی کشور برای همگان و به ویژه دانشجویان و با توجه به پیامدهای گوناگون آن به ویژه در زمینه جرایم و انحرافات، پرسش اصلی آن است که چگونه می‌توان میزان جرایم و رفتارهای انحرافی دانشجویان را کاهش داد؟

جامعه‌شناسی انحرافات و جرم‌شناسی از زمره علوم اجتماعی کاربردی محسوب می‌شوند. در واقع هدف از بررسی جرم و رفتار انحرافی، دلالت‌های سیاستی یا همان یافتن راهکارهای عملی برای حل مسائل مرتبط با جرم و انحراف است. نظریه و تحقیق در خصوص علل جرم یا انحراف و رفتار مجرمانه یا انحرافی، اطلاعاتی فراهم می‌آورند که می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم و رفتار انحرافی یا کاهش تأثیر آن بر جامعه مورد استفاده قرار گیرد (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۴). ماهیت کاربردی جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات از خلال پرسش‌های تحقیق آشکار است. از نظر گیبز^۴ (۱۹۸۷)، چهار پرسش اصلی که جرم‌شناسان به دنبال یافتن پاسخی به آن هستند عبارتند از: چرا نرخ جرم متغیر است؟ چرا افراد خاصی و نه دیگران مرتکب جرم می‌شوند؟ چرا

1- Cullen & Agnew
2- Siegel
3- Vito & Maahs
4- Gibbs

عکس‌العمل‌ها به رفتار مجرمانه یا انحرافی متفاوت است؟ و چه ابزارهای ممکن برای کنترل جرم و انحراف وجود دارند؟ هر چهار پرسش با سیاست‌های جرم در ارتباطند به گونه‌ای که پاسخ به دو سوال آخر در گرو پاسخ به دو پرسش نخست است. به عبارت دیگر در صورتی که علت جرم را بدانیم، قادر خواهیم بود سیاست‌های موثرتری را ارائه دهیم (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۵). بر این اساس سیاست‌های کاهش جرمی موفق و کارآمدند که مبتنی بر مباحث نظری بوده و از پشتوانه تجربی برخوردارند.

آن چه قابل توجه است آن است که هر نظریه‌ای متناسب با پیش‌فرض‌ها و عللی که برای تبیین جرم و انحراف دارد، دلالت‌های سیاستی متفاوتی برای جلوگیری و کاهش نرخ ارتکاب جرم یا رفتار انحرافی ارائه می‌نماید. نظریه‌های فشار معاصر در قالب دو دسته آنومی نهادی مسنر و روزنفلد و فشار عمومی اگنو مطرح می‌شوند که بسط یافته نظریه آنومی/فشار مرتن‌اند. از منظر نظریه‌های فشار علت رفتارهای انحرافی (مصرف مواد و الکل، سرقت، تقلب، وندالیسم، انحرافات جنسی و ...) را باید در فشار ناشی از فرصت‌های مسدود شده؛ فشارهای مختلف حاصل از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند (تحصیلی و شغلی)، وجود محرک‌های منفی و حذف محرک‌های ارزشمند مثبت؛ و فشارهای ساختاری حاصل از تعامل عدم توازن نهادی و نظم هنجاری آنومیک ناشی از فرهنگ جستجو کرد (کالن و اگنو، ۲۰۰۴). نظریه‌های فشار دلالت‌های سیاستی سر راستی برای مقابله با فشار دارند به این ترتیب که با کاهش فشار می‌توان انتظار داشت نرخ جرم نیز کاهش یابد (براون^۱، ۲۰۱۰: ۲۵۷).

اگرچه زندگی در دوران مدرن، مملو از تنشها و فشارهاست اما این فشارها در کشورهای در حال توسعه همچون ایران به واسطه وضعیت ساختار اقتصادی و فساد گسترده موجود در آن، تداوم تحریم‌های اقتصادی و پیامدهای حاصله، ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی و وجود ضعف‌های شخصیتی در مهارت‌های مقابله‌ای بیش از پیش احساس می‌شوند. پیامدهای این فشار در زمینه انحرافات و جرایم از میان اقشار مختلف جامعه برای جوانان و دانشجویان به عنوان آینده‌سازان این مرز و بوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

علی‌رغم اهمیت و نقش فشار در بروز جرایم و رفتارهای انحرافی در افراد و اقشار مختلف به ویژه دانشجویان تحقیقات در این حوزه به ویژه از منظر جامعه‌شناختی محدود و مغفول مانده است. این در حالی است که نظریه‌های فشار معاصر، کاربست و دلالت‌های سیاستی آن با توجه به استفاده فراوان و تجربیات موفقی که در سایر کشورها داشته است می‌تواند تا حدودی نویدبخش

برون رفت از معضل موجود باشد. آنچه که نظریه‌های فشار را برجسته می‌سازد قابلیت ارائه سیاست‌ها در سه سطح خرد، میانه و کلان است که می‌تواند در سه بازه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت تنظیم شوند.

در ایران لزوم پرداختن به دلالت‌های سیاستی از منظر جامعه‌شناختی زمانی برجسته می‌شود که به سبب پزشکی شدن مسایل اجتماعی و تسلط عمده سازمان بهزیستی، پزشکان و روان‌پزشکان بر مدیریت پیشگیری از جرایم و تقلیل مسایل اجتماعی به راه حل‌ها و درمان‌های فردی، زیستی و روانی، شاهد حاکمیت گفتمان پزشکی در کشور هستیم. این در حالی است که نمی‌توان جرایم را تنها و به عنوان یک پدیده منفک و مجرد مورد بررسی و مطالعه قرار دارد و درک و تبیین آسیب‌های اجتماعی باید در متن ساختار اجتماعی و نقد و ارزیابی سیاست‌های اجتماعی موجود صورت پذیرد. همچنین امروزه ساخت جهانی فضای مجازی و جرم در جهان و بالطبع در ایران منجر به پیدایی جرایم نوظهور و افزایش میزان و تنوع رفتارهای انحرافی و مجرمانه گشته است. این در حالی است که سیاست‌زدگی در انتخاب اولویت‌های پژوهشی و مواجهه ایدئولوژیک در اولویت‌بندی مسایل اجتماعی نیز از جمله موانع مدیریت پیشگیری از جرایم در ایران است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۴).

از این‌رو در این مقاله با روش اسنادی و کتابخانه‌ای پس از پرداختن به مباحث نظری، مفاهیم و دلالت‌های سیاستی مبتنی بر نظریه‌های فشار از منظر جامعه‌شناختی، به برنامه‌های اجرا شده منتج از این دلالت‌ها پرداخته می‌شود. حسن این امر در آن است که سیاست‌گذاران با در نظر گرفتن شرایط و چگونگی اجرای این برنامه‌ها و با لحاظ شرایط بومی داخل کشور با ضریب اطمینان بیشتری قادر به سیاست‌گذاری صحیح و ارائه برنامه‌های کارآمد و موثر در پیشگیری از جرایم بر مبنای نظریات علمی خواهند بود. حاصل جلوگیری از هدر رفت هزینه، زمان و منابع کشور و بازدهی بالاتر است. در پایان و در راستای همین هدف دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار در خصوص کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان و برنامه‌های پیشنهادی ملهم از این سیاست‌ها بومی‌سازی و ارائه گردیده است.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

سیگل (۲۰۱۲) نظریه‌های فشار را زیرمجموعه نظریات ساختاری قرار داده است. در یک تقسیم‌بندی نظریه‌های فشار در قالب دو دسته کلاسیک (آنومی / فشار مرتن) و معاصر (آنومی

نهادی مسنر و روزنفلد و فشار عمومی اگنو) قرار می‌گیرند. همچنین نظریه‌های فشار به دو صورت دیگر نیز فرموله می‌شوند: یکی فشار ساختاری که از منظر جامعه‌شناختی بر منابع اجتماعی و اقتصادی فشار در شکل‌گیری رفتار جمعی تأکید می‌کند و دیگری فشار فردی با مرجع روانشناختی که معتقد است تجربه‌های زندگی فردی موجب می‌شود برخی افراد متحمل درد و رنج و بدبختی گردیده که این خود به رفتارهای ضد اجتماعی منتج می‌گردد (سیگل، ۲۰۱۲: ۲۰۴). در ادامه به نظریه‌های فشار معاصر به اختصار پرداخته می‌شود.

نظریه فشار (آنومی) نهادی^۱ مسنر و روزنفلد

مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) در پاسخ به این سوال که چرا ایالات متحده آمریکا دارای بالاترین نرخ جرم و جنایت است، نسخه توسعه‌یافته‌ای از نظریه مرتن را ارائه و بسط دادند، که جهت‌گیری اصلی آن در سطح کلان بوده و به روابط فیما بین نهادهای اجتماعی توجه می‌کند. آن‌ها معتقدند که تأکید فرهنگی بر موفقیت مالی، همسو با این واقعیت است که اقتصاد بر نهادهای عمده و مهم در جامعه، شامل خانواده، مدرسه و سیاست، مسلط و غالب است. به زعم نویسندگان، تفوق اقتصاد با کارکرد موثر این نهادها تداخل پیدا می‌کند. حاصل، آن است که این نهادها دیگر قادر نخواهند بود تا افراد را به طور مناسب اجتماع پذیر و تربیت نموده و ضمانت اجرایی برای انحرافات تعیین نمایند. این امر بیش از پیش به بالا رفتن نرخ جرم کمک می‌نماید (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۱۹۸). در واقع تز اصلی نظریه نهادی فشار این است که گرایش ذاتی آنومیک در رویای آمریکایی هم تعادل نهادی قدرت را که در آن غلبه با اقتصاد است تولید می‌کند و هم از همین طریق بازتولید می‌شود. حاصل تعامل میان الزامات فرهنگی بنیادین رویای آمریکایی و تنظیمات نهادی مکمل آن، آنومی گسترده، کنترل‌های اجتماعی ضعیف و سطوح بالای جرم و جنایت است (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱).

اگر چه مرتن تعریف رسمی از «رویای آمریکایی»^۲، به عنوان شاخص فرهنگ آمریکایی، ارائه نکرده است، با این حال می‌توان بر پایه نظریات او چهار عنصر اصلی را برشمرد که عبارتند از (۱) تأکید بر دستیابی به موفقیت^۳، که به میزان زیادی معیار نهایی ارزش اجتماعی است؛ (۲) تأکید بر فردگرایی^۴، که حاصل آن رقابت فردی شدید و در نتیجه نادیده گرفته شدن محدودیت‌های

1- institutional-anomie theory
 2- American dream
 3- achievement orientation
 4- individualism

هنجاری برای رسیدن به هدف است؛ (۳) اصل عمومیت و عام‌گرایی^۱، به گونه‌ای که هیچ کس از تعقیب موفقیت معاف نیست. لذا فشار برای دستیابی به موفقیت عمومی و فراگیر است و (۴) اصل مادی‌گرایی^۲، که بیانگر آن است که موفقیت معادل دستیابی به پاداش‌های مادی یا همان پول است. پول به تنهایی ارزشمند است نه آنچه که با پول بدست می‌آید (ولد^۳ و راش^۴، ۲۰۱۶؛ کالن و اگنو، ۲۰۰۴).

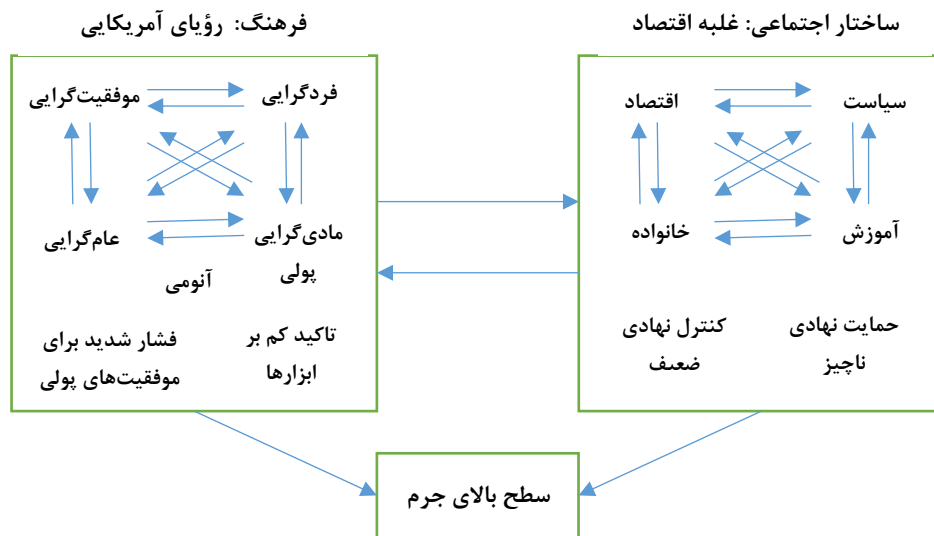
مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) معتقدند که نظریه مرتن از نقش نهادهای اجتماعی در تولید فشارهای آنومیک غفلت کرده است. آنان با اشاره به چهار نهاد اصلی جامعه، شامل آموزش، خانواده، سیاست و اقتصاد، و کارکردهای هر کدام، عنوان می‌دارند که کارکردهای این نهادها با یکدیگر هم‌پوشانی داشته و از یکدیگر مستقل نیستند. لذا وجود حداقل میزانی از هماهنگی و همکاری میان نهادها برای تداوم جامعه ضروری است. این بدان جهت است که ملزومات مورد نیاز برای کارکرد موثر هر نهاد ممکن است با ملزومات نهاد دیگر در تضاد باشد؛ به عنوان مثال در حالی که تخصیص منزلت‌ها و نقش‌ها در خانواده بر پایه ویژگی‌های انتسابی است، تخصیص منزلت‌ها و نقش‌ها در اقتصاد بر پایه ویژگی‌های اکتسابی می‌باشد (کالن و اگنو، ۲۰۰۴).

مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) بر این باورند که هر جامعه‌ای با آرایش متمایزی از نهادهای اجتماعی که تعادل میان مطالبات و ملزومات بعضاً رقیب نهادهای مختلف را منعکس می‌کند، شناخته می‌شود که تعادل نهادی قدرت را ایجاد می‌کند. علاوه بر این، ذات پیکربندی نهایی نهادها خود نیز رابطه نزدیکی با فرهنگ دارد. مفروضه اصلی آنان درباره سازمان اجتماعی این است که فرهنگ و تعادل نهادی قدرت متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. از یک‌سو، فرهنگ بر ویژگی نهادها و موقعیت آن‌ها در ارتباط با یکدیگر اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، الگوهای روابط اجتماعی تشکیل دهنده نهادها، که پارسونز از آن‌ها به عنوان «ستون فقرات» سیستم اجتماعی نام می‌برد، تعهدات فرهنگی را بازتولید و حفظ می‌کند.

شمای مربوط به نظریه آنومی نهادی در شکل ۲ آمده است. بنیان‌های نهادی هسته مرکزی رویای آمریکایی – تاکید فراوان بر موفقیت، تعهد به فردگرایی رقابتی، عام‌گرایی، و از همه مهمتر تکریم موفقیت‌های مادی – در اقتصاد است. همچنین مهمترین ویژگی اقتصاد ایالات متحده، ذات سرمایه‌داری آن است که بر مبنای مالکیت خصوصی و مکانیزم بازار آزاد در تولید و توزیع کالا و خدمات قرار دارد. سرمایه‌داری در ایالات متحده بدون محدودیت‌های نهادی موجود در سایر

1- universalism
2- materialism
3- Weld
4- Roche

جوامع، توسعه یافته است. ناتوانی سایر نهادها در مهار الزامات اقتصادی که به شکل دستوری و امری صادر می‌شود موجب شده تا موازنه نهادی قدرت به نفع اقتصاد چرخش نماید (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۲۰۳-۲۰۲).



شکل ۲: نظریه آنومی نهادی (مسنر و روزنفلد، ۲۰۱۲: ۸۸)

مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) سه مکانیزم را برمی‌شمرند که از طریق آن‌ها غلبه اقتصاد بر سایر نهادها تحقق و ادامه یافته است: (۱) کم ارزش‌سازی^۱ کارکردها و نقش‌های غیر اقتصادی؛ (۲) تطابق^۲ و همسازی سایر نهادها با مقررات و ملزومات اقتصادی؛ و (۳) نفوذ^۳ هنجارهای اقتصادی به قلمرو سایر نهادها. به عنوان مثال در کم ارزش‌سازی: آموزش عمدتاً ابزاری برای رسیدن به موفقیت‌های شغلی در نظر گرفته می‌شود و ارزش آن منوط به تضمین پاداش‌های اقتصادی است؛ علی‌رغم تحسین ارزش‌های خانواده در بیان عمومی - چون فرزندپروری، پرستاری، و فراهم ساختن حمایت عاطفی برای دیگران - اما مالک خانه ارزش بیشتری از زنان خانه‌دار دارد؛ مشارکت اقتصادی برای اغلب افراد بالغ و بزرگسال اجباری و بیکاری مذموم است. در مقابل حتی کمترین

1- devaluation
2- accommodation
3- penetration

شکل مشارکت سیاسی مانند رای دادن، اختیاری در نظر گرفته می‌شود (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۷۲-۷۱).

تطبیق اشاره به آن دارد که نهادهای آموزشی بیش از آن‌که با فرایند آموزشی یا علاقمندی‌های فردی مطابقت یابند با نیازمندی‌های اقتصاد تطبیق می‌یابند و برنامه‌ریزی مدارس منعکس‌کننده تقاضاهای شغلی است. مدارس برای تامین منابع مالی به اقتصاد وابسته‌اند و مهم است که متولیان آموزشی سردمداران اقتصادی را متقاعد کنند که نهاد آموزش به خوبی متعهد به نیازهای شغلی است. روندهای خانواده همچنین تحت غلبه برنامه‌ریزی‌ها، پاداش‌ها و جریمه‌های بازار کار است. کارفرمایان (و نمایندگان آنان در دولت) در برابر پیشنهادهای چون مرخصی زایمان، ساعات کار انعطاف پذیر، حمایت از کودکان کار و ... مقاومت می‌کنند. سیاست نیز برای حمایت‌های مالی وابسته به اقتصاد است. لذا دولتمردان ملزم به ایجاد و حفاظت از محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری‌اند (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۲۰۵-۲۰۴).

در نفوذ هنجارهای اقتصادی در نهاد آموزش، می‌توان از نمره در مدارس به عنوان سیستمی از پاداش‌های بیرونی و معادل دستمزد در نهاد اقتصادی یاد کرد. اصطلاحات اقتصادی در بخش عمده‌ای از ادبیات آموزشی نفوذ کرده است، مانند آن‌که اخیراً تأکید تحصیلات عالی بر «مسئولیت‌پذیری» به عنوان «ارزش افزوده» دانش‌آموزان در فرایند تولید آموزشی فهم می‌شود. در خانواده نیز میزان مشارکت در خانواده بیش‌تر از طریق نقش حیاتی «نان‌آوری» سنجیده می‌شود. همچنین شوهران و زنان «شرکایی^۱» هستند که «تقسیم کار^۲» خانگی را «مدیریت می‌کنند^۳». در سیاست نیز سیاستمداران موثر کسانی هستند که به موفقیت دست یابند. علاوه بر آن اکثر آمریکاییان معتقدند اگر دولت هر چه بیشتر همانند یک بنگاه تجاری اداره شود بهتر عمل خواهد کرد (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۷۶-۷۵).

روایای آمریکایی از دو طریق در میزان بالای جرم سهیم است: یکی مستقیم، از طریق ایجاد نظم هنجاری آنومیک که به دلیل محتوای ویژه ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، هنجارهای اجتماعی دیگر قادر به اعمال نیروی تنظیم‌کننده قوی بر اعضای جامعه نیست؛ و دیگری غیر مستقیم، که نتیجه نهادی آن ارزش‌ها و باورها است، به طوری‌که با مشارکت در موازنه نهادی قدرت مکانیزم‌های قدرتمند کنترل اجتماعی بیرونی مهار می‌گردد (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۲۰۵).

1- partner
2- division of labor
3- manage

نظریه فشار عمومی اگنو

ایده اصلی نظریه فشار عمومی نسبتاً ساده است: افرادی که فشار را تجربه می‌کنند اغلب دچار احساسات منفی شده و گاهی از طریق جرم با آن مقابله می‌کنند. به عنوان مثال فردی که نیاز مبرمی به پول دارد ممکن است درگیر سرقت شود یا نوجوانی که توسط پدرش مورد آزار و اذیت قرار گرفته باشد ممکن است از خانه فرار کند. افراد ممکن است برای گرفتن انتقام از منبع فشارهایشان مرتکب جرم شوند. به عنوان مثال، یک دانش‌آموز ممکن است به همسالانی که او را آزار می‌دهند حمله کند. همچنین افراد ممکن است درگیر جرایمی چون مصرف غیرقانونی مواد مخدر شوند تا احساس بهتری داشته باشند (اگنو، ۲۰۰۹: ۱۶۹).

اگنو نسخه جدید و وسیع‌تری از نظریه فشار کلاسیک مرتن ارائه کرده است. به زعم اگنو شکست در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت تنها یکی از منابع متعدد فشار است. او سه منبع عمده را برای فشار برمی‌شمارد و می‌کوشد تمام انواع موقعیت‌هایی را که ممکن است افراد را به خشم آورد یا ناامید سازد لحاظ نماید. همانند سایر نظریه‌پردازان دیگر، اگنو نیز درمی‌یابد که تنها بعضی افراد به فشار، با جرم پاسخ می‌دهند. لذا تبیین عواملی که بر پاسخ به فشار موثرند دارای اهمیت است (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۲۰۸).

به طور کلی نظریه فشار عمومی انواع اصلی فشارها را برمی‌شمارد، این که چرا فشارها منجر به جرم می‌شوند را تبیین می‌نماید، ویژگی‌های آن دسته از فشارها را که اغلب منجر به جرم می‌شوند را توضیح می‌دهد و فهرستی از عواملی که افزایش دهنده احتمال پاسخ افراد به فشار با جرم است را ارائه می‌کند. این نظریه در تبیین تفاوت‌های فردی و گروهی ارتکاب جرم، خلافتکاری در دوره زندگی و ارائه راهکارهایی برای کنترل جرم مورد استفاده قرار گرفته است (کرون^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶۹).

تمرکز نظریه فشار بر روابط منفی است. رابطه منفی رابطه‌ای است که در آن دیگران با فرد آن‌گونه که او دوست دارد رفتار نمی‌کنند. اگنو سه نوع عمده فشار را مشخص می‌نماید که هر کدام از آن‌ها به یکی از انواع روابط منفی با دیگران برمی‌گردد: (۱) فشار به عنوان شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، (۲) فشار به عنوان حذف محرک ارزشمند مثبت از فرد، (۳) فشار به عنوان حضور محرک منفی. اولین تقسیم‌بندی فشار خود نیز شامل سه بخش است: فشار به عنوان انفصال میان آرزوها و توقعات/دستیابی‌های واقعی، فشار به عنوان انفصال میان توقعات

و دستیابی‌های واقعی (پاداش‌ها) و فشار به عنوان انفصال میان ستاده منصفانه/عادلانه و ستاده واقعی (کالن و اگنو، ۲۰۰۴: ۲۱۱-۲۰۸).

اگرچه فشارها می‌توانند به دلایل متعددی موجب افزایش جرایم شوند با این حال نظریه عمومی فشار تاکید اصلی را بر نقش میانجی احساسات منفی می‌گذارد. فشارها منجر به احساسات منفی چون خشم، ناامیدی، افسردگی و ترس می‌شوند. این احساسات منفی فرد را به پاسخ برمی‌انگیزاند و یکی از این پاسخ‌ها می‌تواند جرم باشد. جرم می‌تواند ابزاری برای کاهش یا رهایی از فشار باشد. این احساسات می‌تواند توانایی فرد برای مقابله به شیوه قانونی و مشروع را کاهش دهد. فرد خشمگین کمتر قادر است تا ارزیابی دقیقی از موقعیت داشته و به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار نماید. همچنین این احساسات هزینه ادراکی از جرم را کاهش می‌دهد. فلاکت مرتبط با افسردگی ممکن است این دیدگاه را تقویت کند که فرد با ارتکاب جرم چیزی برای از دست دادن ندارد. سرانجام، این احساسات ممکن است زمینه ساز جرم شود. به عنوان مثال افراد عصبانی اغلب میل شدیدی به انتقام جویی دارند (اگنو، ب ۲۰۰۶، ۲۰۰۹: ۱۷۰). تحقیقات نشان داده است که برخی انواع احساسات منفی بیش‌تر متمایل به برخی انواع جرم هستند. به عنوان مثال خشم با خشونت، افسردگی با مصرف مواد و ترس با فرار مرتبط است (کرون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۱).

علاوه بر این فشارها می‌توانند کنترل اجتماعی به ویژه از نوع مستقیم را کاهش دهند. بسیاری از فشارها حاصل رفتار منفی از سوی افراد متعارف و دیگران مهم مانند والدین، معلمان، کارمندان و پلیس است. این فشارها موجب کاهش تمایل فرد به همنوایی، پیوند عاطفی به دیگران متعارف و سرمایه‌گذاری در جامعه متعارف می‌شود. با دوری‌گزینی فرد از دیگران متعارف امکان کنترل اجتماعی مستقیم کاهش می‌یابد (اگنو، ۲۰۰۹: ۱۷۱). سرانجام، فرد با توجه به ناامیدی و تضعیف روابطش با دیگران به احتمال بیشتری خواسته‌های خود و نه دیگران را در اولویت قرار خواهد داد (کانتی، ۲۰۰۵).

فشارها همچنین می‌توانند فرایند یادگیری جرم را تقویت کنند. زیرا اغلب فشارها شامل برخورد با دیگرانی می‌شوند که می‌توانند الگویی برای ارتکاب جرم باشند، جرم را تقویت نمایند و باورهای مطلوب با جرم را ارائه دهند. همچنین فرد تحت فشار طولانی مدت ممکن است برای مقابله با فشار به مجرمان دیگر بپیوندد (کرون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۱).

۳- روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله اسنادی و کتابخانه‌ای است. به این ترتیب که متناسب با موضوع پژوهش کتب، مقالات و منابع موجود مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای بررسی برنامه‌های سیاستی، سایت‌های دولتی و سازمانی رسمی فعال در این زمینه نیز حسب موضوع ملاحظه گردیده است.

۴- یافته‌های پژوهش

با مرور منابع موجود یافته‌های پژوهش در دو بخش دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار و برنامه‌های اجرا شده ملهم از این دلالت‌ها در خارج از کشور، ارائه می‌شوند.

۴-۱- دلالت‌های سیاستی نظریه‌های فشار

نظریه‌های فشار دلالت‌های مستقیم و سراسری برای مبارزه با جرم و جنایت دارند. مطابق با این دیدگاه کاهش فشاری که به طور ساختاری ایجاد شده، با کاهش نرخ جرم همراه خواهد شد (براون و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۵۷). انفعال میان اهداف و ابزارها که توسط مرتن تعریف و توسط سایر نظریه پردازان فشار اتخاذ شده می‌تواند به سیاست منجر شوند به این ترتیب که به دنبال تغییراتی باشند که آرزوها را کاهش می‌دهند (کورنهایزر^۱، ۱۹۷۸). مرتن ادعا کرد آن‌چه که تولید انحراف می‌کند تاکید نامتناسب آمریکا بر موفقیت، همراه با فرصت محدود شده است. به این ترتیب، جامعه‌ای که تاکید کمتری بر تحرک اجتماعی رو به بالا دارد، فشار کمتری ایجاد می‌کند (براون و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۵۷ و ۲۵۸). همچنین کاهش فقر و افزایش فرصت برای افراد طبقه پایین باعث کاهش فشار و در نتیجه جرم خواهد شد. این نظریه در اوج محبوبیت خود، به طور قابل توجهی نفوذ زیادی در بحث عمومی و سیاسی ایالات متحده در مورد جرم داشت (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۳۱). اگرچه نظریه‌های فشار معاصر بسط یافته نظریه آنومی/فشار مرتن است با این حال دلالت‌های سیاستی بستگی به نوع نظریه دارد. به عبارت دیگر نظریه فشار عمومی و نظریه آنومی نهادی دارای دلالت‌های سیاستی متفاوتی‌اند. (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۳۱).

نظریه فشار عمومی، اهمیت فشار روان شناختی و رابطه‌اش با حالات عاطفی منفی نظیر خشم را برجسته می‌کند. در واقع کسانی که از عهده عواطف منفی خود برمی‌آیند، کمتر مستعد رفتار مجرمانه‌اند. بدین معنا، برنامه‌های توان بخشی شناختی- رفتاری که بر روی مهارت‌هایی مثل مدیریت خشم و حل تضاد متمرکز می‌شوند، با نظریه فشار عمومی منطبق‌اند.

دلالت‌های سیاستی نظریه عمومی فشار همچون خود نظریه، بسیار ساده است: جرم را می‌توان با کاهش میزان قرار گرفتن در معرض فشارها و همچنین کاهش تمایل به پاسخ دادن به فشارها از طریق جرم، کاهش داد (اگنو، الف ۲۰۰۶). راه‌های مختلفی برای کاهش قرار گرفتن در معرض فشارها وجود دارد که برخی از آنها شامل تغییر محیط اجتماعی می‌شوند. به طور خاص می‌توان (۱) فشارهایی که موجب جرم می‌شوند را حذف نمود؛ (۲) فشارها را تغییر داد تا کمتر منجر به جرم شوند؛ (۳) اجتناب از فشارها را برای مردم آسان‌تر ساخت؛ و (۴) افراد را از فشارها دور نمود. در حالی که می‌توان این اهداف را به روش‌های مختلفی انجام داد، سه راهبرد کلی شامل ایجاد پاسخ دهنده‌های فشار، ایجاد مراکز حمایت اجتماعی، و تغییر محیط اجتماعی بزرگتر است. همچنین می‌توان رویارویی با فشار را از طریق کار بر روی افراد کاهش دهیم. به طور خاص می‌توان (۱) افراد را با مهارت‌ها و منابع تجهیز کرد تا بتوانند بهتر از فشارها دوری کنند؛ و یا (۲) افراد را آموزش داد تا محیط اجتماعی را به طریقی تفسیر کنند که موجب کاهش فشار "ذهنی" شود (اگنو، ۲۰۱۰: ۲۵). در نهایت می‌توان جرم را با کاهش احتمال این که افراد جرم را به عنوان شیوه مقابله با فشار انتخاب کنند، کنترل نمود. به این ترتیب که (۱) مهارت‌ها و منابع مقابله افراد را بهبود بخشید؛ (۲) کمک بیشتری به افراد برای مقابله نمود؛ (۳) سطح کنترل اجتماعی آن‌ها را افزایش داد؛ (۴) میل آنان را برای مقابله مجرمانه کاهش داد؛ و (۵) از رویارویی آنان با موقعیت‌هایی که مساعد جرم است کاست (اگنو، ۲۰۱۰: ۲۶).

مطابق با آنچه گفته شد استراتژیهای مقابله^۱ در قالب سه سطح ذیل قابل ارایه است:

۱. سطح کلان: اگر فشار عینی بر روی اهداف، ارزشها و هویت‌های افراد جامعه تاثیر بگذارد و آن‌ها اهداف، ارزشها و هویت‌های جایگزینی برای نمونه‌های اولیه‌اش نداشته باشند که به آنها پناه برند، نمی‌توان فشار را در حوزه‌ی بی‌اهمیت زندگی افراد قرار داد. این امر بویژه زمانی که اهداف، ارزشها و هویت‌ها حمایت فرهنگی و اجتماعی نیرومندی دریافت نکنند قابل توجه است. در نتیجه به احتمال زیاد فشار منجر به رفتارهای انحرافی خواهد شد.

۲. سطح میانی: شامل انواع حمایت‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی است. کسانی که از حمایت

های نهادی برخوردارند بهتر در مقابل رفتارهای انحرافی ایستادگی می‌کنند.

۳. سطح خرد: ویژگی‌های فردی بر انتخاب استراتژی فردی جهت مقابله (شناختی، عاطفی و

رفتاری) با فشارهای عینی تاثیر می‌گذارد.

بر خلاف دیگر نظریه پردازان اجتماعی، مسنر و روزنفلد خواستار تغییر جدی‌تر سیاست‌های اجتماعی نسبت به آنچه که در بالا ذکر شد، هستند (براون و همکاران، ۲۰۱۰: ۲۵۸). سازمان اجتماعی ایالات متحده، با غلبه قابل توجه اقتصاد در موازنه نهادی قدرت شناخته می‌شود. ذات آنومیک رویای آمریکایی و ساختار نهادی جامعه آمریکا متقابلاً یکدیگر را حمایت و تقویت می‌کنند (مسنر و روزنفیلد، ۱۹۹۷: ۱۳۹۶-۱۳۹۷؛ کالن و اگنو، ۲۰۰۴). از آنجایی که فعالیت مجرمانه محصولی از شرایط فرهنگی آنومیک ناشی از تسلط اقتصاد و پیگیری موفقیت پولی است، سیاست‌های کاهش جرایم باید بر عوامل فرهنگی و ساختاری پایه تمرکز کنند.

شرایط اجتماعی همدیگر را تقویت می‌کنند: فرهنگ تعیین‌کننده نهادهاست و تغییر نهادی بر روی فرهنگ تاثیر می‌گذارد. مسنر و روزنفلد در بازگویی نظریه آنومی نهادی ادعاهای نظری خود را به فراتر از جامعه آمریکایی بسط داده و اظهار می‌دارند که عدم توازن نهادی، فی‌نفسه، و نه صرفاً تسلط اقتصاد، موجب میزان بالایی از رفتارهای مجرمانه می‌شود. به اعتقاد مسنر و روزنفلد، جوامعی که مشخصه آنها صور متفاوتی از تسلط نهادی است موجب صور متفاوتی از جرم می‌شود. جوامعی که به لحاظ اقتصادی برتر هستند، جرایم آنومیک در آنها بوجود می‌آید، یعنی جرایمی که متضمن سود مادی است. جوامعی که دارای تفوق سیاسی اند، جوامعی اند با سوء ظن اخلاقی، که باعث رشوه خواری می‌شود. جوامعی که در آنها خویشاوندی و مذهب تفوق دارد، به بسط نوعی مراقبت اخلاقی افراطی گرایش دارند، که این امر موجب بوجود آمدن جرایمی در دفاع از نظم اخلاقی می‌شود.

از دیدگاه نظریه مسنر و روزنفلد از آنجا که آنومی از یک ساختار نهادی نامتعادل (نامتوازن) ناشی می‌شود، لذا راه حل مشکل جرم عبارت است از ساخت مجدد (بازسازی) نهادهای اجتماعی. بر اساس نظریه آنومی نهادی تغییر فرهنگ رویای آمریکایی موجب تقلیل جرم خواهد شد. سیاست‌گذاران آمریکایی معتقدند که ابتکارهایی نظیر پیش‌بینی مرخصی به خاطر خانواده، برنامه‌های کاری انعطاف‌پذیر، فراهم کردن شرایط برای نگهداری بچه توسط کارفرمایان و مجموعه‌ای سیاست‌های اقتصادی در حمایت از خانواده می‌تواند به تغییر توازن بین تقاضاهای اقتصادی والدین و الزامات و فرصت‌هایشان برای اختصاص دادن وقت و انرژی بیشتر برای خانواده کمک کند. تغییر بنیادین فرهنگ آمریکایی امری خیالی است ولی اعتقاد بر این است که می‌توان این فرهنگ را به جهتی که کمتر منجر به رفتارهای مجرمانه شود، سوق داد.

لذا در حوزه نظریه آنومی نهادی اساساً دو هدف برای تغییر وجود دارد. نخست، مسنر و روزنفیلد تعدادی از دلالت‌های سیاستی را برای تقویت نهاد خانواده (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۳۱) و سایر نهادها پیشنهاد می‌کنند (بدین معنی است که سیاست‌های کاهش جرایم باید به دنبال

احیای خانواده‌ها، مدارس و نظام سیاسی باشند: سیاست‌هایی مانند: ارائه مرخصی خانوادگی؛ اشتراک شغلی برای مادران و پدران؛ برنامه کار انعطاف پذیر؛ مراقبت از کودک مقرون به صرفه؛ کاهش تأکید بر نقش اقتصادی آموزش و پرورش؛ افزایش استفاده از تحریم‌های واسط در نظام عدالت کیفری؛ و پیاده سازی سیاست‌های اجتماعی تا اطمینان حاصل شود رفاه مادی موکدا به عملکرد اقتصادی وابسته نیست و تضمین می‌کند که نقش‌های غیر اقتصادی، پشتیبانی مالی قابل اعتنایی از منابع جمعی دریافت می‌کنند (مسنر و روزنفیلد، ۲۰۰۱: ۱۰۶). به عنوان مثال سیاست‌های اقتصادی طرفدار خانواده، کمک می‌کنند تا تعادل بین تقاضاهای اقتصادی که والدین با آنها مواجه می‌شوند، و تعهدات و فرصت‌های‌شان برای اختصاص زمان و انرژی بیشتر به دغدغه‌های منحصر به فرد خانواده اصلاح و تعدیل گردند (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۱۳۱). دوم، آنومی نهادی نشان می‌دهد که تغییر فرهنگ رویایی آمریکا نیز جرم و جنایت را کاهش می‌دهد. در حالی که تحول کامل فرهنگ آمریکایی امری خیالی به نظر می‌رسد، دور از ذهن نیست که فرهنگ را در جهتی سوق داد که کمتر جرم‌زا باشد. به عنوان مثال، اهدافی غیر از تجمع ثروت باید تقویت شود: این به معنی شناخت و قدردانی بیشتر از نقش‌های اجتماعی مانند والدگری، مشارکت، آموزش، یادگیری و خدمت به جامعه است (همان، ۲۰۱۷: ۱۳۱).

در مجموع دلالت‌های سیاستی نظریه‌ی آنومی نهادی را می‌توان در قالب سه بخش ذیل ارایه کرد:

۱. تغییرات اساسی در اخلاق اجتماعی جامعه امریکا، که به تعبیر مسنر و روزنفلد اخلاقی آنومیک است و اندکی از مردم آمریکا تغییر آن را در جهت کاهش ارزش موفقیت پولی خواهند پذیرفت.
۲. ایجاد نوعی توازن قدرت نهادی میان نهادهای جامعه از طریق حیات بخشی مجدد به نهادهای دیگر.
۳. مسنر و روزنفلد تأکید زیادی بر روی نهاد خانواده در کنترل رفتارهای مجرمانه دارند (ویتو و همکاران، ۲۰۰۶)

۴-۲- تجارب جهانی و برنامه‌های اجرا شده مبتنی بر نظریه‌های آنومی - فشار معاصر
در ادامه به تعدادی از برنامه‌های اجرا شده ملهم از دلالت‌های سیاستی برخاسته از نظریات فشار اشاره می‌شود.

شروع از ابتدا^۱

شروع از ابتدا یک برنامه کمک مالی تطبیقی فدرال است که با هدف بهبود مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های اجتماعی، و وضعیت سلامت کودکان فقیر اجرا شد به طوری که آنها بتوانند تحصیلات را در شرایطی برابر با همالان خود که دارای مزیت بیشتر نسبت به آنها بودند آغاز نمایند (کوری^۲ و توماس^۳، ۱۹۹۵: ۳۴۱). شروع از ابتدا در سال ۱۹۶۵ به عنوان بخشی از برنامه مبارزه با فقر ایجاد شده است تا برای کودکان فقیر ۳ تا ۵ ساله و خانواده‌هایشان خدمات پیش دبستانی، بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی را فراهم کند. به بیش از ۹۰۰،۰۰۰ کودک در هر سال با هزینه ۷ میلیارد دلاری خدمات ارائه می‌شود (یواس‌دی‌اچ‌اچ‌اس^۴، ۲۰۰۶؛ لودویک^۵ و میلر^۶، ۲۰۰۷: ۱۵۹). جورج بوش و بیل کلینتون، روسای جمهوری ایالات متحده، هر دو متعهد به افزایش بودجه فدرال بودند به طوری که همه کودکان واجد شرایط بتوانند این خدمت را دریافت کنند (کوری و توماس، ۱۹۹۵: ۳۴۱). این برنامه شامل ۶ بخش است: برنامه آموزشی، مشارکت والدین، تغذیه، خدمات اجتماعی، خدمات سلامت روان و خدمات بهداشتی و سلامتی (لودویک و میلر، ۲۰۰۷: ۱۶۴).

پروژه ادامه تا انتها^۷

پروژه ادامه تا انتها به دنبال پروژه شروع از ابتدا بود که در تابستان ۱۹۶۵ آغاز و به سرعت محبوبیت یافت. محققان دریافتند که با ورود کودکان محروم شرکت کننده در شروع از ابتدا، به مقطع دبستان هر آنچه که در این برنامه به دست آمده بود از بین می‌رود. لذا برای حصول پیشرفت آکادمیک پایدار لزوم تداوم این برنامه و توسعه آن به مقطع دبستان احساس می‌شد. مدیریت برنامه به عهده دفتر فرصت‌های اقتصادی (اوای‌او)^۸ بود (واتکینز^۹، ۱۹۹۷: ۴). گروه برنامه‌ریزی او ای‌او خواستار یک تحقیق تجربی حقیقی بود که بتواند موثرترین مدل‌ها را تعیین کند (اگبرت^{۱۰}، ۱۹۸۱: ۴). بر این اساس دو مدل زیر ارائه شد:

- 1- Head Start
- 2- Currie
- 3- Thomas
- 4- U. S. Department of Health and Human Services (USDHHS)
- 5- Ludwig
- 6- Miller
- 7 Project Follow Through
- 8- Office of Economic Opportunity (OEO)
- 9- Watkins
- 10- Egbert

(۱) مدل آموزش مستقیم: که در آن سطح بالایی از تعامل بین معلمان و دانش آموزان وجود دارد، بنابراین معلم می‌تواند بازخورد مستمر در مورد عملکرد دانش آموزان دریافت و مطابق با آن آموزش را تنظیم می‌کند (ماکوبی و زلنر، ۱۹۷۰: ۸). (۲) مدل خیابان بانک: که در آن دانش آموزان خود یادگیری را هدایت می‌کنند. آنها انتخاب می‌کنند که تمایل دارند در چه کارهایی، به تنهایی و یا با همالان شرکت کنند. معلم کلاس را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که حامیان مالی متقاعد شوند شرایط را برای یادگیری موفقیت‌آمیز ایجاد خواهد کرد (ماکوبی و زلنر، ۱۹۷۰: ۱۱-۱۰).

همچنین مدل برنامه‌ها براساس این‌که تاکید یادگیری بر چه باشد به سه دسته تقسیم می‌شود، مهارت‌های اساسی، مهارت‌های شناختی مفهومی و مهارت‌های عاطفی/شناختی (واتکینز، ۱۹۹۷: ۲۶-۲۷): مدل مهارت‌های اساسی - آموزش مهارت‌های اساسی (به عنوان مثال، مهارت‌های ابتدایی واژگان، محاسبات ریاضی، املا، و زبان) را مورد توجه قرار می‌دهد. مدل مهارت‌های شناختی مفهومی - بر مهارت‌های تفکر سطح بالا و مهارت‌های حل مسئله تاکید دارد. مدل مهارت‌های عاطفی شناختی - بر احساس دانش‌آموزان (مانند عزت نفس) تاکید دارد و بر این فرض استوار است که احساسات خود ارزشی مثبت منجر به موفقیت در مهارت‌های شناختی می‌شود (واتکینز، ۱۹۹۷: ۲۶-۲۷).

برنامه پیش‌دبستانی پری^۱

برنامه پیش‌دبستانی پری در پنج موج، ۱۲۳ کودک را در ایپسیلانتی، میشیگان از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ تحت پوشش قرار داد (اندرسون^۲، ۲۰۰۸: ۱۴۸۲). این کودکان از خانواده‌های آمریکایی آفریقایی تبار، با پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین بودند که نمره آی کیو پایین داشته و هیچ‌گونه اختلال ارگانیک یا روانی مبتنی بر زیستی نداشتند. ۵۸ نفر از کودکان به طور تصادفی به گروه درمان و ۶۵ نفر به گروه کنترل اختصاص داده شدند (ویلسون^۳، ۲۰۰۰: ۲). بیشتر کودکان تحت درمان در برنامه از ۳ سالگی وارد برنامه شده و ۲ سال در آن باقی ماندند. موج اول وارد ۴ سالگی شد و ۱ سال خدمات دریافت کرد. این برنامه ایده‌های ژان پیاژه را اجرا کرد و بر زبان، اجتماعی شدن، اعداد، فضا و زمان در کلاس‌های پنج تا شش تمرکز داشت. کودکان تحت پوشش ۵ روز در هفته از ماه اکتبر تا ماه مه در این برنامه شرکت کردند و هر هفته ۹۰ دقیقه بازدید خانگی داشتند (اندرسون، ۲۰۰۸: ۱۴۸۲؛ ویلسون، ۲۰۰۰).

1- Perry Preschool Program
2- Anderson
3- Wilson

برنامه پیش دبستانی‌های اسکوپ پری^۱ به جمع‌آوری اطلاعات پیگیری شرکت‌کنندگان برنامه پیش‌دبستانی پری به صورت سالانه در سال‌های بعد ادامه داد. محققان داده‌ها را از چهار منبع اولیه جمع‌آوری کردند: مصاحبه‌ها با افراد و والدین، آزمون‌های برنامه‌ریزی شده، پرونده‌های مدرسه و سوابق کیفی. آزمون‌های آی‌کیو بر اساس برنامه سالانه تا سن ۱۰ سالگی و پس از آن در سن ۱۴ سالگی انجام شد. میزان رضایت از تحصیل و وضعیت تحصیلی از پرونده‌های مدرسه جمع‌آوری شد. پرونده‌های بازداشتی از سوی مقامات مربوطه به دست آمده و با داده‌های مصاحبه‌ای درباره رفتار جنایی مطابقت داده شد. داده‌های اقتصادی عمدتاً از مصاحبه‌هایی که در سن ۱۹، ۲۷ و ۴۰ سالگی انجام شده به دست آمد (هکمن^۲ و همکاران، ۲۰۱۰؛ اندرسون، ۲۰۰۸: ۱۴۸۲).

اگرچه برنامه پیش‌دبستانی پری به عنوان یک مداخله آموزشی آغاز شد، با این حال نتایج مثبت دیگری را نشان داد، از جمله میزان جرم و بزهکاری، حاملگی دختران نوجوان و وابستگی به دریافت کمک‌های رفاهی به میزان قابل توجهی کاهش یافت. به طور کلی، رفتارهای اجتماعی مثبت، پیشرفت تحصیلی، اشتغال، درآمد و ثبات خانوادگی در گروه درمان در مقایسه با گروه شاهد به طور معنی‌داری بالاتر بود (ویلسون، ۲۰۰۰: ۲). کاهش جرم اصلی‌ترین فایده برنامه پری بود (هکمن و همکاران، ۲۰۱۰: ۶). به عنوان مثال، شرکت‌کنندگان در مطالعات پیگیری در سن نوزده سال، کاهش معناداری در برخورد با پلیس، رفتارهای ضد اجتماعی، دعوای جدی و نرخ ترک تحصیل نشان دادند (گرینوود، ۲۰۰۶: ۵۴). در مجموع تحلیل هزینه-فایده این برنامه نشان داد که به ازای هر یک دلار هزینه برای هر کودک، ۷/۱۶ دلار (حدود ۷ برابر) در حوزه‌های مختلف برای جامعه ذخیره شده است (ویلسون، ۲۰۰۰: ۴).

سپاه شغل^۳

سپاه شغل که از سال ۱۹۶۴ تاسیس شد، مجموعه‌ای جامع از خدمات را برای جوانان محروم فراهم می‌کند. این خدمات، که عمدتاً شامل آموزش مهارت‌های حرفه‌ای، آموزش ابتدایی و مراقبت‌های بهداشتی است، معمولاً در مراکز اقامتی برای بهبود اشتغال افرادی که در برنامه ثبت نام می‌کنند ارائه می‌شود (لانگ^۴ و همکاران، ۱۹۸۱: ۵۶). سالانه بیش از ۶۰۰،۰۰۰ نفر در این

1- High/Scope Perry Preschool Project

2- Wilson

3- Job Corps

4- Long

طرح ثبت نام می‌کنند که بیش از یک میلیارد دلار هزینه در بر دارد (مک‌کانل^۱ و گلیزerman^۲، ۲۰۰۱: ۱). هم اکنون ۱۲۵ مرکز سپاه شغل در ۴۸ ایالت آمریکای شمالی، منطقه کلمبیا و پورتوریکو وجود دارد. سیستم خدمات توسعه حرفه‌ای^۳ (سی‌دی‌اس‌اس) رویکرد سپاه شغل است تا خدماتی یکپارچه را برای دانش آموزان فراهم سازد، از جمله استخدام، آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای، کمک شغلی، و خدمات پشتیبانی گذار پس از فارغ التحصیلی. هر دانش آموز پس از پیوستن به سپاه شغل، با کارمند مربوطه کار می‌کند تا برنامه توسعه حرفه‌ای شخصی (پی‌سی‌دی‌پی)^۴ که مخصوص به او طراحی شده است را تا حصول موفقیت دنبال نماید. دانش آموزان آموزش در بیش از ۱۰۰ حوزه حرفه‌ای در زمینه‌های ساختمانی، تجاری و مالی، بهداشت و درمان و فناوری اطلاعات را می‌توانند دریافت کنند. آنها همچنین می‌توانند با استفاده از فرصت‌های یادگیری مبتنی بر کار، در محل کار واقعی تعلیم ببینند. در کلاس آکادمیک، دانش آموزان این فرصت را دارند تا مدرک دیپلم دبیرستان یا معادل آن را کسب کنند، و مهارت‌های کاربردی و زندگی مستقل را یاد بگیرند. همچنین زمانی که دانش آموزان در برنامه ثبت نام می‌کنند مسکن، غذا، مراقبت‌های اولیه پزشکی و هر دو هفته یکبار کمک هزینه زندگی، دریافت می‌کنند. سپاه شغل قوانین سخت‌گیرانه‌ای در خصوص مصرف مواد و خشونت دارد که در صورت تخطی از آن فرد از برنامه اخراج می‌شود. شرکت کنندگان حداکثر تا دو سال می‌توانند در این طرح باقی بمانند. سپاه شغل متعهد به ایجاد و توسعه آموزش و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای شغل سبز در حوزه‌هایی است که منجر به آینده‌ای پاک‌تر و پرنرژژی‌تر شود. تمامی دانش‌آموزانی که وارد ساخت پیشرفته ماشین‌آلات و تعمیرات خودرو، احداث یا منابع تجدیدپذیر می‌شوند مطابق با آخرین تکنولوژی‌های مبتنی بر صنعت تعلیم می‌بینند. پس از فارغ‌التحصیلی سپاه شغل به فارغ التحصیلان در یافتن شغل مناسب در صنایع رو به رشد کمک می‌کند. کارفرمایان نیز با استخدام فارغ التحصیلان ماهر سپاه شغل در مصرف هزینه و زمان صرفه‌جویی می‌کنند. فارغ التحصیلان تا ۲۱ ماه پس از فارغ التحصیلی خدمات حمایتی شامل کاریابی، مسکن، مراقبت از کودک و حمل و نقل دریافت می‌کنند (سپاه شغل، ۲۰۱۷).

هدف از این برنامه آن است که بازده اعضای سپاه شغل و درآمد آنان افزایش یابد. این برنامه مزایای دیگری نیز در بردارد، به ویژه کاهش وابستگی اعضای سپاه شغل به کمک‌های عمومی و کاهش رفتارهای ضد اجتماعی (لانگ و همکاران، ۱۹۸۱: ۵۶). سپاه شغل هم میزان جرایم

1- McConnell

2- Glazerman

3- Career Development Services System (CDSS)

4- Personal Career Development Plan (PCDP)

ارتكابی از سوی شرکت‌کنندگان را کاهش داد و هم میزان جرایم علیه آنان را (قربانی شدن). سپاه شغل سرمایه‌گذاری خوبی از منابع جامعه است. در ارزیابی‌های هزینه-درآمد صورت گرفته از این برنامه به ازای هر دلار هزینه ۲ دلار به جامعه بازگردانده شده است (مک‌کانل و گلیزerman، ۲۰۰۱: XX).

سیاست‌های غیربازاری کردن^۱

اسپرینگ اندرسون^۲ (۱۹۹۰)، مفهوم غیربازاری کردن را برای ارجاع به سیاست‌هایی به کار برد که وابستگی صرف به بازار را کاهش می‌دهند (مسنر و روزنفیلد، ۱۹۹۷: ۱۳۹۴). مسنر و روزنفیلد (۱۹۹۷) با وام گرفتن این مفهوم از اندرسون و در ترکیب با نظریه آنومی نهادی نشان دادند که رابطه معکوس میان نرخ خودکشی و میزان غیربازاری کردن وجود دارد. بر این اساس هرچه محافظت سیاسی در برابر نوسانات بازار افزایش یابد نرخ خودکشی کاهش می‌یابد. غیربازاری کردن در مفهوم کلی به معنای قدرتمند ساختن شهروندان در برابر نیروی بازار است (همان). غیربازاری کردن نشان دهنده آن است که قدرت در جامعه بازاری از اقتصاد به سیاست انتقال یافته است که دلالت بر این دارد که ارزشها و معیارهای اقتصادی صرف با ملاحظات سیاسی جمعی مطابقت داده شده است. هر چه میزان غیربازاری شدن افزایش یابد از تسلط اقتصاد در روابط متقابل نهادی کاسته می‌شود (مسنر و روزنفیلد، ۱۹۹۷: ۱۳۹۷).

طرح اصلی مسنر و روزنفلد برای تقلیل جرم غیربازاری کردن روابط اجتماعی است. غیربازاری کردن دلالت بر سیاست‌هایی دارد که قصد دارند روابط اجتماعی را بوسیله آزاد ساختن سایر نهادهای اجتماعی از تسلط اقتصاد، از ملاحظات اقتصادی آزاد کنند. رهایی مردم از تسلط اقتصادی به آنها اجازه می‌دهد تا زندگی شان را بدون ملاحظات اقتصادی بسازند. لذا طبق نظریه مسنر و روزنفلد این موجب کاهش رقابت نفس‌گیر و در نتیجه کاهش جرم خواهد شد. در واقع، غیربازاری کردن، رام کردن قدرت بازار است. بدین معنی که سیاست‌ها می‌تواند سطح مناسبی از رفاه مادی را تضمین کند که کاملاً مبتنی بر وضعیت فرد در بازار کار و شرایط اقتصادی وی نیست. مثلاً ادامه تحصیل برای دانشجویی می‌تواند بدون در نظر گرفتن توان مالی، برای همه کسانی که مستعد این کار هستند، اتفاق بیفتد.

اسپرینگ اندرسون برای مفهوم غیربازاری کردن سه بعد در نظر گرفته است: سهولت دسترسی به مزایای رفاهی، ارزش جایگزینی درآمد و گستردگی پوشش در وضعیت‌ها و شرایط

1- Decommodification

2- Esping-Andersen

مختلف. سه برنامه رفاهی اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، مزایای بیماری، و بیمه بیکاری در همین راستا قابل بررسی است (مسنر و روزنفلد، ۱۹۹۷: ۱۳۹۹).

برنامه‌های حمایت از خانواده^۱

کشورهای مختلف سیاست‌های حمایت از خانواده متفاوتی دارند و این سیاست‌ها اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند که یکی از این اهداف کنترل جرم و پیشگیری از بزهکاری است. به عنوان مثال در کشوری مانند دانمارک سیاست‌ها مرتبط با امور اجتماعی و اشتغال‌اند که والدین و کودکان را هدف قرار می‌دهند. با افزایش نرخ مشارکت بیش‌تر زنان در بازار کار از دهه ۱۹۶۰، تامین خدمات مراقبت از کودکان گسترش یافت. مادران دارای ۱۸ هفته مرخصی زایمان (۴ هفته قبل و ۱۴ هفته بعد) می‌باشند که دو هفته پس از زایمان اجباری است. همچنین پدران نیز طی ۴ هفته پس از تولد نوزاد دارای ۲ هفته مرخصی هستند. این مرخصی همچنین با تجدید نظر در قانون زایمان سال ۲۰۰۹، شامل زوج‌های همجنس‌گرا یا زوج‌هایی که نوزادی را به فرزندی قبول می‌کنند نیز می‌شود. همچنین علاوه بر مرخصی زایمان والدین می‌توانند از ۳۲ هفته مرخصی والدین، تکی یا مشترکا استفاده کنند که طی توافق‌های بدست آمده در بازار کار و شرکت‌ها، مزایایی مشابه مزایای دوران بیکاری دریافت می‌کنند. پدر و مادری که بیکار هستند از مزایای صندوق بیکاری برخوردار می‌شوند (برخی گروه‌های دارای شرایط خاص مزایای بیش‌تری دریافت می‌کنند). همچنین تمامی خانواده‌های دارای فرزند زیر ۱۸ سال هر سه ماه یک‌بار مزایای نقدی دریافت می‌کنند. در صورتیکه درآمد سالانه خانوار بیش از ۹۵۸۰۰ یورو باشد مزایای نقدی نیز کاهش می‌یابند. دولت دانمارک علاوه بر کمک هزینه خانواده، کمک هزینه فرزند را به والدین نیازمند یا والدینی که صاحب چندقلو شده‌اند می‌پردازد. (آبراهامسون^۲ و ونر^۳، ۲۰۰۸). در فرانسه به خانوارهای تک‌والدی درآمدی برای زندگی پایه اختصاص داده می‌شود (بیکر^۴، ۱۹۹۵: ۹۸). از نظر اسپرینگ اندرسون رژیم‌های رفاهی دولتی عبارتند از سیاست‌گذاریهای اجتماعی کشورهای صنعتی پیشرفته و نقش دولت در مدیریت و سازماندهی اقتصاد، اشتغال، حقوق و دستمزد و همچنین حمایت اجتماعی است. از نظر او برای اینکه کل نظام اجتماعی-اقتصادی به درستی کار کند نیاز است تا تقسیم کار بین دولت، بازار و خانواده ثبات داشته باشد. سه نوع

1- Profamily Programs
2- Abrahamson
3- Wehner
4- Baker

عمده رژیم‌های رفاهی وجود دارد (مرکز تحقیقات سیاست عمومی هنگ کنگ^۱، ۲۰۰۸: ۴۵):
 رژیم رفاهی آزاد^۲: که به طور عمده به بازار به عنوان مکانیسم اصلی اختصاص منابع متکی است. بر این اساس، هر دوی کشور و خانواده مجبورند راه را برای مکانیزم بازار باز نمایند. دولت شهروندان خود را تشویق می‌کند تا برای معاش خود در بازار کار شرکت کنند. دولت مزایا را عمدتاً به مشتریانی از افراد کم درآمد، معمولاً طبقه کارگر، و وابسته به دولت ارائه می‌دهد. دولت نیز از دخالت در تدارک بازار برای خدمات خانواده محروم است. در نتیجه، این رژیم بر راه حل‌های بازار و پاسخ به نرخ بالای اشتغال زنان، تنش‌های کار / خانواده و سایر مسائل مربوط به کودکان / زنان / خانواده تأکید می‌کند. نمونه‌های اولیه این نوع رفاه اجتماعی در ایالات متحده، کانادا، استرالیا و بریتانیا یافت می‌شود (همان: ۴۴).

رژیم رفاهی محافظه کار^۳: دولت در تلاش است تا خانواده را به عنوان یک واحد منسجم و کارآمد حفظ کند. به همین دلیل است که این رژیم "محافظه کار" است. چرا که سیاست اجتماعی به گونه‌ای طراحی شده است که سلسله مراتب اجتماعی متعارف مردانه را حفظ یا حتی تقویت کند. از یک طرف، مزایای اجتماعی بر اساس وضعیت اجتماعی و گروه‌های موجود در بازار کار توزیع می‌شود. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری رفاهی برای حفظ خانواده سنتی (یعنی مرد به عنوان نان‌آور خانواده و زن به عنوان زن خانه دار و مادر) طراحی شده است. از این رو، مزایای بیمه خصوصی و مزایای شغلی جانبی نقش کمی ایفا می‌کند. بیمه اجتماعی به طور معمول زنان غیر شاغل را پوشش نمی‌دهد و خدمات خانوادگی (مانند مراقبت روزانه) به طور قابل توجهی توسعه نیافته است. در عوض، این رژیم بر نقش خانواده سنتی تأکید می‌کند، مشارکت نیروی کار زن را به حداقل می‌رساند و کمتر به طور مستقیم بر روی کودکان سرمایه‌گذاری می‌کند. اتریش، فرانسه، آلمان و ایتالیا معمولاً به عنوان نمونه‌هایی از کشورهای دارای این نوع رفاه هستند (همان، ۴۵).

رژیم رفاهی اجتماعی - دموکراتیک^۴: براساس یک دولت قوی در تخصیص منابع و ارائه خدمات کامل اجتماعی ارائه شده است. این رژیم مدل خانواده محور است که نقش مهمی در ارائه خدمات اجتماعی ایفا می‌کند. دسترسی برابر و مشارکت کامل در بازار کار به عنوان یکی از مطلوب‌ترین اهداف، و به عنوان مسئولیت دولت در رهایی شهروندان خود از قید خانواده سنتی در نظر گرفته شده است. بنابراین، دولت با ارائه برابری در بالاترین استانداردها به جای برابری در

1- Public Policy Research Centre of Hong Kong

2- liberal welfare regime

3- conservative welfare regime

4- social-democratic welfare regime

حداقل نیازها، همانگونه که در جاهای دیگر دنبال می‌شود، خدمات رفاهی خود را به طبقه متوسط گسترش می‌دهد. به طور خلاصه، این رژیم بر نقش یک حکومت قدرتمند تأکید دارد، که بر عدالت جنسیتی، رفاه کودکان، نرخ بالای اشتغال زنان و آشتی دادن کار و زندگی خانوادگی و به حداقل رساندن نقش بازار و به میزان کم‌تر نقش خانواده تأکید می‌کند. نمونه‌های قابل توجه این رژیم کشورهای اسکاندیناوی مانند سوئد و نروژ است.

همچنین گاتیر^۱ (۱۹۹۶) بر اساس تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای از داده‌های کمی و کیفی ۲۲ کشور صنعتی از اواخر قرن نوزدهم به بعد، ۴ مدل اصلی از سیاست‌گذاریهای خانواده را از یکدیگر متمایز ساخته است:

مدل حامی فرزندآوری^۲: مسئله کمبود باروری نگرانی اصلی این مدل است. در این مدل، حمایت از خانواده به عنوان مسئولیت دولت در نظر گرفته می‌شود و سطح نسبتاً بالایی از حمایت‌ها برای مرخصی زایمان و امکانات مراقبت از کودکان فراهم می‌شود. تأکید فراوانی بر پرداخت یارانه نقدی، به ویژه برای کودک سوم وجود دارد. شرایط به گونه‌ای ایجاد می‌شوند تا داشتن شغل، مانع از تولد فرزندان نباشد. فرانسه نمونه خوبی از این مدل است (همان: ۴۸).

مدل حامی سنت^۳: در این مدل، نگرانی اصلی حفظ خانواده است. دولت مسئولیت حمایت از خانواده‌ها را بر عهده دارد، اما مهمترین منابع حمایت، خود خانواده‌ها و سازمان‌های داوطلبانه است. به رغم ارائه مزایای کاری برای مادران، مدل سنتی مرد نان آور تشویق می‌شود و موانع برای اشتغال زنان همچون مالیات همچنان ادامه دارد. تحت این مدل، تنها میزان متوسطی از یارانه نقدی و مزایای کار برای والدین فراهم می‌شود. سطح پایین ارائه مراقبت از کودکان مادران مشغول به کار نیست که بتوانند به راحتی کار و مسئولیت خانواده را ترکیب کنند. این مدل سیاست خانواده مخصوص آلمان است (همان: ۴۹).

مدل حامی تساوی^۴: هدف اصلی این مدل ترویج برابری جنسیتی بیشتر است. دولت‌ها مسئولیت کامل در ایجاد محیطی مناسب برای کمک به راحتی زنان در محیط کار و خانه را به عهده می‌گیرند و به پدران اجازه می‌دهد تا نقش مهمی در مراقبت از کودکان بازی کنند (همان: ۵۰).

1- Gauthier
2- Pro-natalist model
3- Pro-traditional model
4- Pro-egalitarian model

مدل حامی خانواده غیر مداخله‌ای^۱: در این مدل، تنها خانواده‌هایی که نیازمند هستند، توسط دولت مراقبت میشوند. از آنجایی که دولت به ارزشمند بودن خودکفائی خانواده و عملکرد بازار اعتقاد دارد، حمایت از خانواده‌ها از لحاظ دادن پول و ارائه خدمات اجتماعی در سطح بسیار پایین نگه داشته می‌شود. مشارکت زنان در نیروی کار از بین نمی‌رود، اما دولت برای حمایت از آنها مزایای محدودی بکار می‌برد. مزایای کار برای مادران مانند مرخصی زایمان به عنوان مسؤلیت شرکت‌های خصوصی و نه دولت محسوب میشود. نمونه‌هایی که مطابق با این مدل هستند بریتانیا و ایالات متحده است (همان: ۵۰).

بسیج برای جوانان (ام‌اف‌وای)^۲

بسیج برای جوانان حاصل نگرانی آژانس‌ها و نهادهای شهر نیویورک از بزهکاری فزاینده نوجوانان بود. آغاز این ایده به سال ۱۹۵۷ بازمی‌گردد که آژانسهای منطقه و دانشکده خدمات اجتماعی دانشگاه کلمبیای نیویورک، یک برنامه تحقیقاتی عملی را توسعه دادند که توسط کمیته کارشناسان موسسه ملی بهداشت روان^۳ مورد بازبینی قرار گرفت. در نتیجه این بررسی، یک دوره دو ساله برنامه ریزی (دسامبر ۱۹۵۹ تا دسامبر ۱۹۶۱) بر مبنای نظریه کلووارد و اوهلین بود که آنان در کتاب "بزهکاری و فرصت: نظریه باندهای بزهکار" ارائه کرده بودند (مجموعه مکاتبات و اسناد دستنویس دانشگاه کلمبیا^۴: ۲). بسیج برای جوانان یک برنامه آزمایشی به منظور پیشگیری و کنترل بزهکاری نوجوان بود که برنامه‌ای عملی همراه با تحقیق و ارزیابی ارائه می‌داد. این برنامه اساساً یک آزمایش اجتماعی بود که در منطقه مسکونی شهری با میزان بزهکاری بالا انجام شده بود. این منطقه به اندازه کافی بزرگ و متنوع بود که می‌توانست نماینده‌ای از مناطق مساله‌دار در بسیاری از اجتماعات سراسر ایالات متحده در نظر گرفته شود. منطقه پروژه در منهن واقع شده بود که بیش از یک سوم واحدهای مسکونی آن زیر حد استاندارد بود (همان: ۱).

برنامه دارای دو جنبه عمده بود: (۱) اقدام (خدمات آموزشی، خدمات استخدامی، خدمات به افراد و خانواده‌ها و توسعه جامعه و مدتی بعد خدمات حقوقی) (۲) برنامه یکپارچه تحقیق و ارزیابی (مجموعه مکاتبات و اسناد دستنویس دانشگاه کلمبیا: ۳). خلاصه‌ای از این اقدامات به اختصار در ادامه آمده است:

1- Pro-family but non-interventionist model

2 Mobilization For Youth (MFY)

3 National Institute of Mental Health: NIMH

4 collections of correspondence and manuscript documents, Columbia university

خدمات آموزشی: علاوه بر بهبود آموزش و کوشش در افزایش موفقیت نوجوانان در مدرسه تلاش نمود تا ارتباط خانه و مدرسه را بهبود بخشد و از این‌رو خدمات مختلفی به دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلمان ارائه شد. معلمان و کادر مدرسه درباره ویژگی‌های فرهنگی، تاثیر فقر و مسایل دیگر اجتماع آموزش داده شدند تا درک بهتری از زندگی روزمره شاگردانشان داشته باشند. همچنین برنامه‌هایی برای آماده‌سازی کودکان پیش از ورود به دبستان نیز ایجاد شد (وایزمن، ۱۹۶۹).

خدمات استخدامی: به جوانان کمک می‌کند تا برای پیوستن به نیروی کار آماده شوند. این جزء بسیج برای جوانان بزرگترین و بنیادی‌ترین هدف طرح بوده است. خدمات استخدامی شامل برنامه‌های متنوعی مانند آموزش نحوه لباس پوشیدن برای مصاحبه، نحوه تکمیل فرم درخواست کار و اهمیت منظم بودن در زمان کار. علاوه بر آمادگی شغلی، برنامه‌های آموزشی شغلی و آموزشگاه‌های حرفه‌ای ایجاد شد. این خدمات به جوانان فرصتی برای یادگیری مهارت‌های خاصی می‌داد که می‌توانستند برای پیدا کردن یک کار از جمله کارهای برقکشی، خیاطی و لوله کشی استفاده کنند. برنامه‌های شغلی و نگهداری برای کمک به جوانان برای پیدا کردن و حفظ اشتغال با کسب و کارهای محلی ایجاد شد. بسیج برای جوانان دارای رستوران‌های کوچک و ایستگاه‌های گاز برای استخدام جوانان است (وایزمن، ۱۹۶۹).

خدمات به افراد و خانواده‌ها: بر این اساس بود که آنها معتقد بودند یکی از مهمترین راه‌های کنترل و کاهش جرم، سبک و قابل تحمل کردن فقر است. لذا این برنامه تلاش کرد تا فعالانه فعالیت‌های اوقات فراغت را ارائه دهد. بسیاری از خدمات ارائه شده توسط این بخش با سلامت روان و مراقبت‌های بهداشتی، از جمله اعتیاد به هرویین، مرتبط بودند. جلسات گروهی و فردی به عنوان وسیله‌ای برای ترویج شیوه زندگی سالم برقرار شد. فعالیت‌هایی نظیر گروه‌های حمایت کننده برای مصرف کنندگان مواد مخدر و خانواده‌های آنها، آموزش خودداری از مصرف الکل و کلاس‌های آموزش والدگری ارائه شد. علاوه بر این، فعالیت‌های سرگرم کننده برای جوانان و خانواده‌ها از محل سرمایه‌گذاری بسیج برای جوانان ایجاد شده یا افزایش یافته است مانند لیگ‌های ورزشی، سفرهای خانوادگی، شب فیلم و غیره. هدف واقعی خدمات به افراد و خانواده‌ها کمک به کسانی بود که از طریق سایر اجزای برنامه کمکی دریافت نمی‌کردند (مجموعه مقالات بسیج برای جوانان، ۱۹۶۵-۱۹۵۰).

برنامه توسعه اجتماع: امیدوار بود که نگرش‌ها را در جامعه تغییر دهد و پس از آن منابع پایدار برای ساکنان ایجاد نماید. برنامه، مجموعه متنوعی از فعالیت‌ها را ارائه کرده است که به بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره ساکنین لاور ایست ساید مربوط می‌شود. برخی از فعالیت‌ها بر تغییرات محلی در جامعه تمرکز داشتند؛ اعتصاب‌های اجاره، باشگاه‌های بلوک، ثبت نام رای دهندگان و تحریم‌های مدرسه بخشی از این فعالیت‌ها بودند. فعالیت‌های دیگر بر زندگی روزمره مانند کار باند، کلاس‌های انگلیسی و باشگاه‌های اجتماعی نوجوانان تمرکز داشتند. علاوه بر فعالیت‌های محلی، بسیاری از مردم بر محور حقوق مدنی گرد هم آمده و به تظاهرات و جنبش‌ها در مناطق دیگر کشور پیوستند. اگر چه این فعالیت‌ها مستقیماً توسط ام‌اف‌وای تأمین مالی نمی‌شد، اما الهام بخش مهارت و انگیزه برای انجام چنین کارهایی بود. در واقع هدف برنامه توسعه اجتماع ایجاد یک جامعه خود اتکا بود که دارای منابع خود است و در عین حال بر تغییرات اجتماعی تأثیرگذار است (وایزمن، ب ۱۹۶۹).

خدمات قانونی: خدمات حقوقی برای کمک به کسانی که نمی‌توانند از مشاوره حقوقی و یا حمایت شخصی استفاده کنند، ایجاد شد. همانند سایر اجزای بسیج برای جوانان، خدمات حقوقی انواع مختلفی از خدمات و فعالیت‌ها را برای ساکنین لاور ایست ساید ارائه داد. خدمات به ساکنان کمک می‌کرد تا مطابق با سیستم حقوقی حرکت کنند؛ تاکید بیش‌تر بر روی حقوق مستاجر، حقوق رفاهی، مسایل مربوط به خشونت خانوادگی و حمایت از مجرمان بود. خدمات حقوقی دارای اهداف کمتری نسبت به سایر برنامه‌های دیگر بسیج برای جوانان بود. هدف از خدمات قانونی کمک به دیگران برای حرکت مطابق با سیستم حقوقی به عنوان وسیله‌ای برای ارتقای تغییر اجتماعی و جلوگیری از بزهکاری نوجوانان بود (وایزمن، ث ۱۹۶۹).

ام‌اف‌وای با حمایت از خدمات اجتماعی و ایجاد ساختارهای سیاسی در محله‌های لاور ایست ساید شهر منهتن نیویورک، تلاش کرد تا علل ریشه‌ای جرم را هدف قرار دهد. این برنامه درگیر مبارزات سیاسی با مقامات شهر شد، توسط اف‌بی‌آی مورد تحقیق قرار گرفت (اما هرگونه تخلف رد شد) و در نهایت از میان برچیده شد (ویتو و ماز، ۲۰۱۷: ۴۱۸).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نظریه‌های فشار علت رفتارهای انحرافی دانشجویان (مصرف مواد و الکل، سرقت، تقلب، وندالیسم، انحرافات جنسی و ...) را باید در فرصت‌های مسدود شده؛ فشارهای مختلف حاصل از عدم دستیابی به اهداف ارزشمند (تحصیلی و شغلی)، وجود محرک‌های منفی و حذف محرک‌های ارزشمند مثبت؛ و فشارهای ساختاری حاصل از تعامل عدم توازن نهادی و نظم هنجاری آنومیک

ناشی از فرهنگ جستجو کرد. با توجه به آنچه پیشتر آمد، با عنایت به دلالت‌های سیاستی نظریه فشار و برنامه‌های اجرا شده در سایر کشورها در این قسمت از نوشتار به بومی‌سازی دلالت‌های سیاستی و برنامه‌های ملهم از این سیاست‌ها پرداخته می‌شود.

۵-۱- بومی‌سازی دلالت‌های سیاستی نظریه فشار

دلالات‌های سیاستی برای کاهش رفتار انحرافی در دانشجویان مبنی بر نظریه‌های فشار در قالب سه سطح خرد، میانه و کلان بومی‌سازی و ارائه شده است:

۵-۱-۱- دلالت‌های سیاستی در سطح خرد

- کاهش فشار با تغییر ویژگی‌های دانشجویان: دانشجویان همانند سایر افراد از نظر چگونگی درک، تجربه و پاسخ به محیط با یکدیگر تفاوت دارند. دانشجویان موجودات منفعلی نیستند که همگی به یک شیوه به یک محیط اجتماعی واکنش نشان دهند. چنین اختلافاتی بر میزان فشارهای تجربه شده تأثیر می‌گذارد. به طور خاص، برای برخی دانشجویان این احتمال بیشتر از دیگران وجود دارد که برخی وقایع و حوادث را منفی تجربه کنند، دیگران با آنان رفتار منفی داشته باشند، خود را در محیط‌هایی قرار دهند که در آنجا احتمال رفتار منفی بالاست، و در دستیابی به اهدافشان در محیط موجود دچار مشکل باشند. با توجه به این واقعیت‌ها، ما می‌توانیم با تغییر ویژگی‌های فردی دانشجویان، همانند تغییر محیطی که دانشجو با آن مواجه می‌شود، رویارویی با فشار را کاهش دهیم. این مطلوب از دو طریق قابل دستیابی است:

• نخست، تجهیز دانشجویان به ویژگی‌ها و مهارت‌ها برای اجتناب از فشارهایی که منجر به جرم می‌شود. دانشجویانی که در درس ساز توصیف می‌شوند، مهارت‌های اجتماعی و حل مساله کمی دارند، هوش پایینی دارند و مهارت‌های مطالعه موثر را نمی‌دانند، در حالی که این مهارت‌ها لازمه رسیدن به موفقیت در تحصیل و محل کار است، بیش از دیگران در معرض فشار قرار دارند. والدین، اساتید، و همکلاسی‌هایشان اغلب با چنین دانشجویانی رفتار منفی دارند (مانند سخت‌گیری‌های انضباطی، توهین، تمسخر، نمره پایین، توبیخ، اخراج، محرومیت از ادامه تحصیل و ...). معمولاً در فعالیت‌های علمی، انجمن‌ها و همایش‌های دانشجویی مشارکت نمی‌کنند. چنین دانشجویانی معمولاً در محیط‌هایی قرار می‌گیرند که رفتار منفی در آن محیط‌ها متداول است. احتمال آن که آنان از گروه همالان معمولی طرد و تصمیم به ارتباط با گروه‌های همالان بزهکار بگیرند بیش‌تر است. از آنجایی که مهارت‌های آکادمیک آن‌ها عمدتاً پایین است، احتمال مشروط شدن، تعلیق یا انصراف از تحصیل در آنان بیش‌تر

است لذا در یافتن شغل مناسب نیز معمولاً دچار مشکل می‌شوند. دانشجویانی که مهارت‌های اجتماعی و حل مساله پایینی دارند ممکن است وارد رابطه‌های عاشقانه با افرادی مشابه خود شوند که احتمال انواع مشکلات ارتباطی را افزایش می‌دهد. لذا برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های کنترل خشم، خودکنترلی، تفکر پیش از اقدام، مهارت‌های حل مساله، مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های تحصیلی و حرفه‌ای و ... به دانشجویان می‌تواند نقش موثری در کاهش فشار و در نتیجه جرم داشته باشند.

• دوم، آموزش به دانشجویان تا محیط را به گونه‌ای تفسیر/ادراک کنند که فشارهای ذهنی را کمینه سازد. تمامی استراتژیهای قبلی برای کاهش رویارویی دانشجویان با فشارهای عینی بود، وقایع و شرایطی که عموماً دیگران هم آن را دوست ندارند. با این حال ممکن است فشار ذهنی یعنی ارزیابی ذهنی دانشجویان از یک واقعه یا شرایط یکسان متفاوت باشد. به عنوان مثال جواب سلام ندادن از سوی استاد می‌تواند به دو شکل متفاوت تصادفی یا عمدی تفسیر شود که تفسیر دوم فشار ذهنی بیشتری به همراه دارد. بنابراین می‌توانیم به دانشجویان آموزش دهیم تا محیطشان را به شیوه‌ای ادراک و تفسیر کنند که میزان فشار ذهنی‌شان را کاهش دهد. این شیوه البته باید با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد زیرا ما نمی‌خواهیم دانشجویان را متقاعد کنیم رخدادی که اغلب مردم آن را بزرگ می‌دانند، کوچک و کم اهمیت جلوه دهیم.

- تلاش برای کاهش بی‌عدالتی ادراک شده از فشارها در محیط دانشگاهی از سوی دانشجویان. به عنوان مثال در اعمال مجازات‌ها و محرومیت‌های آموزشی فرصت ابراز نظر به دانشجویان داده شود، با آنان با احترام رفتار شده و از رفتارهای توهین آمیز بدنی و کلامی اجتناب شود. منطق موجود در پس مجازات‌ها را با بیان این که مجازات‌ها شایسته یا خیر هستند توضیح داده و به آنان اطمینان دهند که مجازات‌های آنها در طول زمان و در میان افرادی که رفتار سوء مشابه داشتند، یکسان است.

- آگاهی بخشی برای تسهیل اجتناب از فشارها. گاهی اوقات دانشجویان آگاهی ندارند که بعضی رفتارهای آنان ممکن است منجر به رفتار منفی شود. می‌توان اقداماتی انجام داد تا آنان را از این واقعیت آگاه ساخت. کارکنان و اساتید دانشگاه می‌توانند آموزش ببینند تا به طور واضح قوانین و پیامدهای نقض آن را برای دانشجویان بیان کنند. این نه تنها به دانشجویان کمک می‌کند تا از اقداماتی که ممکن است منجر به رفتار منفی شوند اجتناب کنند، همچنین عدالت ادراکی از مجازات‌های اعمال شده را نیز افزایش خواهد داد.

- آگاهی بخشی به دانشجویان که احتمال رفتار منفی در بعضی شرایط، شامل بعضی مکان‌ها، زمان‌ها، و در کنار بعضی اشخاص، بیش‌تر است. به عنوان مثال می‌توان به عضویت در برخی کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ارائه اطلاعات شخصی و یا استفاده از برخی سایت‌های اینترنتی اشاره کرد.

- آموزش پاسخ دهندگان به فشار در دانشگاه‌ها، که معمولاً این پاسخ‌دهندگان دستگاه نظارتی، یا همان حراست دانشگاه و واحدهای مشاوره می‌باشند. پاسخ دهندگان در غیاب والدین در محیط خارج از خانه به نوعی همان نقش والدین در برابر فشارها را ایفا نموده، تلاش می‌کنند تا در صورت امکان فشارها را از بین ببرند، فشارها را تغییر دهند تا کمتر منجر به جرم شوند، به دانشجویان کمک کنند تا از فشارها جلوگیری کنند، و در صورت لزوم آنان را از فشارها حذف کنند. به عنوان مثال واحد مشاوره دانشگاه به عنوان یک پاسخ‌دهنده سعی می‌کند افراد را با مهارت‌ها و منابع تجهیز کنند تا رویارویی آنان با فشارها کاهش یابد و همچنین موجب کاهش فشاری که آنان بر دیگران وارد می‌کنند شوند. همچنین بسیار مهم است که حراست دانشگاه و مشاوران با دانشجویان، ارتباط خوب داشته و مورد احترام آنان باشند.

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش‌های موثرتر ارتباطی و انضباطی برای کارکنان و اساتید دانشگاه.

- برگزاری کلاس‌های حل تمرین و رفع اشکال توسط اساتید برای کاهش فشارهای تحصیلی و افزایش فرصت دستیابی به موفقیت.

- فراهم آوردن فرصت برای انجام کار اضافی و کسب نمره جبرانی برای دانشجویانی که به دلایل موجه نمرات کمتری دریافت نموده و در معرض مشروط شدن یا افتادن هستند، به منظور برطرف کردن فشار برای ارتکاب عمل مجرمانه (مانند تقلب) و افزایش فرصت برای برطرف کردن فشار از طریق کانال‌های مرسوم. این فعالیت‌ها منجر به افزایش پیوستگی دانشجو با استاد و کاهش فشار برای معاشرت با همالان بزهکار و در نتیجه افزایش کنترل اجتماعی می‌گردد.

- کاهش احتمال مقابله دانشجویان با فشار از طریق جرم: هیچ‌گاه نخواهیم توانست رویارویی دانشجویان با فشارهای عینی و ذهنی را به طور کامل از بین ببریم بلکه تنها می‌توانیم آن را کاهش می‌دهیم. لذا مهم است که مقابله مجرمانه فرد با فشار را کاهش دهیم. سیاست‌های ذیل بدین منظور پیشنهاد می‌شود:

• افزایش مهارت‌ها و منابع مقابله علاوه بر آن‌که کمک می‌کند دانشجو در معرض فشار کمتری قرار بگیرد احتمال مقابله مجرمانه با فشار را نیز کاهش می‌دهد. آموزش مهارت‌های

اجتماعی، مهارت‌های حل مساله، شیوه‌های برخورد با مهارت‌های تحصیلی و حرفه‌ای، و توانایی کنترل خشم از این دسته می‌باشند.

- برنامه‌های حمایت اجتماعی که در بخش کاهش فشار با تغییر محیط اجتماعی پیشنهاد شد علاوه بر کاهش فشار، احتمال مقابله مجرمانه را نیز کاهش می‌دهند.
- تقویت کنترل اجتماعی در دانشجویان از طریق تقویت پیوند میان آنان با والدین در خانه، و اساتید در دانشگاه، همچنین پیوند به نهادها مانند پیوند به مذهب سهم دانشجویان را در هم‌نوایی افزایش می‌دهد. پیوند با والدین فرایندی است که از بدو تولد و حتی پیش از آن آغاز و به مرور زمان شکل می‌گیرد. لذا آموزش والدین برای برقراری رابطه عاطفی و تربیتی صحیح متناسب با دوره سنی فرزندان می‌تواند بسیار موثر باشد. آگاه نمودن والدین از ویژگی‌ها و نیازهای فرزندان در هر دوره سنی به والدین این امکان را می‌دهد که متناسب با شرایط رفتار درست را در قبال فرزندان داشته تا بدین ترتیب تنش میان آنان کاهش یافته و فرزندان همچنان به لحاظ احساسی و عاطفی به والدین وابسته باشند. نظرات والدین برایشان مهم بوده و مراقب خواهند بود کاری انجام ندهند که موجب ناراحتی آنان شود. البته این آموزش‌ها باید پیش از آن که فرد به سن ورود به دانشگاه برسد صورت گرفته و پیوند به والدین پیش‌تر ایجاد شده باشد. لذا می‌توان به عنوان یک برنامه بلند مدت مدنظر قرار گیرد.
- پیوند به استاد و دانشگاه نیز می‌تواند در جلوگیری از پاسخ به فشار از طریق جرم موثر باشد. دانشجویی که استادش را دوست دارد، رابطه خوبی با او دارد کمتر احتمال دارد که مرتکب کاری شود که به این ارتباط آسیب وارد نماید. لذا ایجاد و حفظ رابطه دوستانه همراه با احترام و رعایت شأن استاد می‌تواند کنترل اجتماعی را برای دانشجویان افزایش دهد. بدین منظور برگزاری دوره‌ها یا کارگاه‌های آموزشی حرفه‌ای برای اساتید دانشگاه پیشنهاد می‌شود.
- آموزش مهارت‌های مقاومت به دانشجویان در برابر فشارهای گروه همالان برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا گنجاندن در برنامه درسی و پیش از آن در دوران نوجوانی از طریق مدرسه.

۵-۱-۲- دلالت‌های سیاستی در سطح میانه

- وجود مراکز حمایت اجتماعی در دانشگاه. دانشجویانی که به پاسخ دهندگان فشار در دانشگاه (حراست و واحد مشاوره) مراجعه نموده‌اند به این مراکز ارجاع داده شوند تا متناسب با فشاری که متحمل شده‌اند اقدامات حمایتی برایشان صورت پذیرد. به عنوان مثال دختر

دانشجویی که قربانی تجاوز گردیده تحت مشاوره‌های روانشناسی قرار گرفته و روال‌های قانونی و حقوقی حمایت از او به جریان افتد.

- وجود مراکز کاربایی در دانشگاه که متناسب با رشته تحصیلی ارتباط میان دانشجویان با بازار کار، صاحبان صنعت و تجارت، شرکت‌ها، موسسات، پژوهشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها و ... را تسهیل و برقرار سازند.
- اعطای وام‌های مختلف تحصیلی و دانشجویی برای کاهش فشارهای مالی.

۵-۱-۳- دلالت‌های سیاستی در سطح کلان

- ایجاد تغییر در محیط اجتماعی بزرگتر برای کاهش فشارهایی که به طور غیر مستقیم منجر به رفتار منفی می‌شود. یکی از مهمترین موارد مشکلات اقتصادی است که در طیف وسیعی از فشارهای وارد بر خانواده دانشجویان و فشارهایی چون خشونت خانوادگی و عملکرد ضعیف تحصیلی آنان سهیم است. سیاست‌گذاری‌های کلان می‌تواند در جهت ایجاد رفاه بیشتر باشد. به عنوان مثال دولت می‌تواند با دادن مشوق‌های گوناگون مشاغل بیشتر را به سمت جمعیت‌های فقیر جذب کند. ایجاد شغل‌های جدید در بخش عمومی، افزایش خدمات اجتماعی، بهداشتی، مسکونی، تفریحی و رفاهی عمومی می‌تواند در همین راستا در دستور کار قرار گیرد.
- برخی فشارها نیز حاصل ارزش‌های فرهنگی جامعه است، مانند ارزش‌های مردسالارانه، زن‌سالارانه، جنسیتی، نژادپرستانه، یا تعصبات قومی که می‌تواند موجب بروز رفتارهای منفی شود. فرهنگ‌سازی در سطح کلان جامعه و به طور عام از طریق دستگاه‌های مربوطه در قالب اجرای برنامه‌های آموزشی، کتاب‌های درسی، محصولات رسانه‌ای، و به طور خاص با برگزاری نشست‌ها و سمینارهای مرتبط با چنین موضوعاتی در محیط دانشگاهی با حضور متخصصان و متولیان فرهنگی به همراه دانشجویان، می‌تواند به کاهش چنین فشارهایی بیانجامد.

۵-۲- بومی‌سازی برنامه‌های سیاستی اجرا شده ملهم از نظریه‌های فشار

برنامه‌های سیاستی با توجه به شرایط داخلی کشور و همچنین قابلیت موجود در خود نظریه‌های فشار، در قالب سه دسته کلی قابل طرح است: برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت، و دراز مدت. اگر هدف، کاهش رفتار انحرافی در جامعه دانشجویان فعلی باشد آن‌گاه اجرای بعضی برنامه‌ها که به زمان‌های پیش از سنین ورود به دانشگاه باز می‌گردد تاثیری در کاهش رفتار انحرافی فعلی دانشجویان نخواهد داشت اما می‌توان با اجرای آن‌ها انتظار داشت شاهد کاهش و پیش‌گیری از رفتارهای انحرافی دانشجویان در نسل‌های بعدی باشیم. لذا برنامه‌ریزی و داشتن سیاست‌های

بلند و میان مدت ضروری وزیربنایی به نظر می‌رسد. برنامه‌های کوتاه مدت نیز می‌توانند برای حصول نتایج سریع‌تر مد نظر قرار گیرند. همچنین برنامه‌هایی که برآمده از پالسی‌های نظریه فشار بوده و به اجرا درآمدند بعضاً ترکیبی بوده به طوری که فراهم سازی فرصت‌ها، کاهش فشار و توانمندسازی تواما در دستور کار آنان قرار داشته است.

آنچه که مهم است آن است که حصول موفقیت در اجرای این سیاست‌ها در داخل کشور نیازمند همگرایی و هماهنگی نهادها و سازمان‌هایی است که هر یک به نوعی عهده‌دار تنظیم و اجرای چنین برنامه‌هایی می‌باشند. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌های تابعه آن مانند سازمان تامین اجتماعی و سازمان بهزیستی، وزارت درمان و آموزش پزشکی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، وزارت ورزش و جوانان، وزارت دادگستری، وزارت آموزش و پرورش، و شوراهای شهری و شهرداری‌ها، و می‌بایست در قالب یک برنامه جامع و راهبردی، هماهنگ با یکدیگر عمل کنند تا هم از موازی کاری و هدر رفت منابع و امکانات جلوگیری شود و هم بازده چنین برنامه‌هایی افزایش یابد.

۵-۲-۱- برنامه‌های بلند مدت

برنامه مبارزه با فقر به عنوان یک برنامه بلند مدت در کاهش رفتار انحرافی دانشجویان می‌تواند مد نظر قرار گیرد. به این ترتیب که دولت با هدف بهبود مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های اجتماعی، و وضعیت سلامت کودکان فقیر یک برنامه کمک مالی را اجرا کند به طوری که آنها بتوانند تحصیلات را در شرایطی برابر با سایر همالان خود آغاز نمایند. این برنامه می‌تواند شامل آموزش کودکان خردسال باشد به نحوی که والدین نیز در این آموزش مشارکت داشته باشند. به این ترتیب هم درآمدی کسب نموده و هم مهارت‌های فرزندپروری را می‌آموزند. علاوه بر آموزش، از آنجایی که این کودکان معمولاً دچار سوء تغذیه و فقر مواد معدنی چون آهن می‌باشند، وعده‌ها و میان وعده‌های مناسب در اختیار آنان قرار گیرد. ارائه خدمات بهداشتی، درمانی، سلامت روان و غربالگری بیماری‌های خاص صورت گیرد.

نمونه آمریکایی این برنامه به صورت یک پروژه تحقیقاتی در مورد روش‌های آموزش مهارت‌های اساسی، مهارت‌های شناختی مفهومی و مهارت‌های عاطفی / شناختی تا سطح دبستان نیز ادامه یافت. با این وجود برای حصول پیشرفت تحصیلی پایدار، لزوم تداوم این برنامه و توسعه آن به مقاطع بالاتر وجود دارد.

همچنین پروژه‌های تحقیقاتی مقطعی و طولی فراوانی از منظرهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، علوم تربیتی، و اقتصادی نیز قابل اجراست که علاوه بر آن که می‌تواند در اصلاح نواقص ادامه فرایند به کار آید و کارایی برنامه را بررسی کند همچنین می‌تواند منبع خوبی در افزایش دانش علمی کشور باشد. در مجموع تحلیل هزینه-فایده مدل آمریکایی این برنامه نشان داد که به ازای هر یک دلار هزینه برای هر کودک، ۷/۱۶ دلار (حدود ۷ برابر) در حوزه‌های مختلف برای جامعه ذخیره شده است (ویلسون، ۲۰۰۰: ۴). بنابراین می‌توان امیدوار بود که در نهایت درآمد حاصله از این برنامه‌ها در داخل کشور نیز بیش از بودجه هزینه شده باشد.

۵-۲-۲- برنامه‌های میان مدت

بسیاری از فرصت‌های مسدود شده، احساس محرومیت‌ها و فشارهایی که دانشجویان با آن مواجهند به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی خانواده آنان است. لذا کمک به بهبود این شرایط و ارتقاء توان خانواده به نوبه خود می‌تواند تاثیر مثبتی بر کاهش احتمال بروز رفتار انحرافی دانشجویان به عنوان فرزندان همین خانواده‌ها داشته باشد.

برنامه‌هایی که برای غیر بازاری کردن به منظور کاهش سلطه بازار بر سایر نهادها اجرا می‌شود می‌تواند به عنوان یک برنامه میان مدت در کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان مدنظر قرار گیرد. این برنامه‌ها خانواده دانشجویان و سیستم آموزشی را هدف خود قرار می‌دهد. غیر بازاری کردن سلطه بازار بر نهاد خانواده و آموزش را کاهش می‌دهد. بدین منظور سیاست‌گذاری‌ها در دولت باید حداقل درآمد را به گونه‌ای تعیین نماید که متناسب با تامین ضروریات زندگی باشد. اجرای برنامه‌های رفاهی برای خانواده‌ها شامل اعطای حقوق بازنشستگی، خدمات درمانی، بیمه بیکاری و از کار افتادگی، کمک هزینه مسکن و عائله‌مندی، کاهش شهریه‌های آموزشی و دانشگاهی در همین راستا قابل طرح است.

همچنین در بسیاری از کشورها سیاست‌های حمایت از خانواده متفاوتی متناسب با نوع رژیم رفاهی آن کشور به اجرا درآمده‌اند که یکی از اهدافشان کنترل جرم و پیشگیری از بزهکاری بوده است. در ایران نیز نباید در سیاست‌گذاری‌ها بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد در ایران با توجه به فرهنگ سنتی در حال گذار به مدرن، ترکیبی از دو رژیم رفاهی دموکراتیک و محافظه‌کار بتواند پاسخ‌گوی نیاز جامعه باشد. این به معنای آن است که می‌بایست شرایط و مزایا برای تداوم حیات هر دو نوع خانواده سنتی و مدرن فراهم گردد، چرا که هر کدام از این دو نوع ساختار خانواده مزایا و معایب خود را در کنترل جرم به همراه دارند. در صورت تمایل خانواده‌ها برای حفظ الگوی سنتی مرد نان‌آور خانواده و زن خانه‌دار، مزایای بیمه و خدمات

برای زنان خانه‌دار به عنوان دارندگان مشاغل خانگی نیز لحاظ شود. در صورت تمایل خانواده برای شاغل بودن زن، حمایت‌های متناسب با نیاز خانواده برای فرزندآوری، زایمان و شیردهی به عمل آید. به منظور تسهیل اشتغال زنان، تسهیلاتی برای نگهداری و مراقبت از فرزند در ساعات کاری فراهم شود. پرداخت کمک هزینه فرزند یا کمک هزینه به خانواده‌های تک‌والدی نیازمند نیز می‌تواند به ثبات و دوام بیش‌تر خانواده منجر شود.

۵-۲-۳- برنامه‌های کوتاه مدت

برنامه‌های کوتاه مدت می‌توانند شامل اجرای طرح‌هایی شود که دانشجویان با ثبت نام در این طرح‌ها با صاحبان مشاغل، حرف، صنعت، یا تجارت متناسب با رشته تحصیلی دانشگاهی خود مرتبط شوند و در کنار درس‌های متداول، دوره‌های کارآموزی متناسب با آن شغل را سپری کرده و پس از فارغ‌التحصیلی در همان محل استخدام شوند. دوره‌های کارآموزی باید از سطح بالایی برخوردار باشند تا کارفرمایان ترجیح دهند از این طریق جذب نیرو نمایند. علاوه بر این دانشجویان در دوره کارآموزی کمک هزینه زندگی دریافت نمایند.

همچنین می‌توان به دانشجویان ساکن در مناطق با بزهکاری بالا خدمات آموزشی و استخدامی، و تسهیلاتی برای گذران اوقات فراغت ارائه داد. به عنوان مثال ارائه تسهیلاتی برای استفاده از باشگاه‌های ورزشی، استخرها، سینماها، موزه‌ها و ... از این دست می‌باشند. می‌توان به دانشجویان آموزش داد که چگونه فرم درخواست کار را پر کنند و چگونه برای یک مصاحبه کاری آماده شوند. در صورت نیاز برای دانشجویان و خانواده‌های‌شان آموزش‌هایی شامل فرزندپروری، سبک زندگی سالم، چگونگی خودداری از مصرف الکل و مواد مخدر و ... را نیز فراهم نمود. چنین دانشجویانی می‌توانند منبع خوبی برای ایجاد تغییرات مثبت در محلاتی که زندگی می‌کنند باشند. آنان می‌توانند پس از طی دوره‌های آموزشی کوتاه به عنوان مربیان هم‌آل در فرآیند آموزشی نوجوانان و جوانان محله خود درگیر شده و علاوه بر این‌که از این‌راه کسب درآمد می‌کنند- البته بودجه آن باید از طریق دولت یا سازمان‌های مرتبط با رفاه اجتماعی تامین شود- زمینه لازم برای ارتقای تحصیلی، و مهارت‌های ارتباطی و آموزشی نوجوانان و جوانان را فراهم نموده، همچنین آنان را مجهز به مهارت‌های مقاومت در برابر فشار همالان برای ارتکاب جرم نمایند.

منابع

- ابراهیم پور، داود (۱۳۹۳). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۳ نسبت به تفاوت ارزش‌های اجتماعی آنان با والدین در رابطه با خانواده و ازدواج. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲۵، ۱۱۴-۹۵.
- احمدی، یعقوب و حامد، بیتا (۱۳۹۰). سنجش وضعیت تفاوت نسل‌ها در ابژه‌های فرهنگی اجتماعی مطالعه موردی شهر کرمانشاه. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴۲، ۲۰۸-۱۸۵.
- توسلی، افسانه و قمریان، فاطمه (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی تغییر ارزش‌ها در میان دختران و مادران آن‌ها (مورد مطالعه: دانشجویان دختر واحد علوم و تحقیقات تهران). *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۸(۲)، ۷۶-۵۷.
- حیدری، آرش؛ رضادوست، کریم و فروتن کیا، شهرروز (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۲)، ۶۰-۳۹.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ جواهری، فاطمه و فیضی، ایرج (۱۳۹۵). نگرشها و رفتار دانشجویان، مرحله دوم پیمایش طولی نگرشها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شمسایی، فرشید؛ یغمایی، صفورا؛ صادقیان، عفت و تاپاک، لیلی (۱۳۹۷). بررسی استرس، اضطراب و افسردگی در دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی همدان. *روان پرستاری*، ۶(۳)، ۳۰-۲۵.
- علیوردی‌نیا، اکبر (۱۳۹۳). مدیریت پیشگیری از جرم در ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲(۸)، ۵۸-۳۷.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود و رحمانی، سحر (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر وندالیسم دانشجویان از دیدگاه نظریه فشار عمومی اگنیو. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۲(۳)، ۷۸-۵۳.
- علیوردی‌نیا، اکبر و یوسفی، ندا (۱۳۹۳). تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۵۴، ۸۰-۶۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر و یونسی بروجنی، عرفان (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی رفتارهای انحرافی دانشجویان: آزمون تجربی دیدگاه نظری چندگانه. *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ۶۸: ۱۲۹-۹۷.

- قاسمی، افسانه (۱۳۹۸). تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاه‌های تهران). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۳)، ۹۵-۱۲۶.
- کفاشی، مجید (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران. *زن و جامعه*، ۶(۱)، ۶۷-۸۶.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۷). گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی اجتماعی آن در شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۶۹، ۱۶۶-۱۴۷.
- ناصری، میلاد؛ کاوه، فرزانه و ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۵). مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۶۴، ۹۸-۷۹.
- Agnew, R. (2010). Controlling crime: Recommendations from general strain theory. In Barlow, H., & Decker, S. H. (Eds.), *Criminology and public policy: Putting theory to work* (22-44). Philadelphia, Pennsylvania :Temple University Press.
- Agnew, R. (2009). General strain theory. In *Handbook on crime and deviance* (pp. 169-185). Dordrecht; Heidelberg; London and New York, NY: Springer.
- Agnew, R. (2006a). *Pressured into crime: An overview of general strain theory*. Los Angeles: Roxbury.
- Agnew, R. (2006b). Storylines as a neglected cause of crime. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 43(2), 119-147.
- Agnew, R (2005). *Juvenile delinquency: Causes and control*. Los Angeles: Roxbury.
- Abrahamson, P., & Wehner, C. (2008). Current issues of family policy in Denmark. In *Family policies in the context of family change* (pp. 57-74). VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Anderson, M. L. (2008). Multiple inference and gender differences in the effects of early intervention: A reevaluation of the Abecedarian, Perry Preschool, and early training projects. *Journal of the American statistical Association*, 103(484), 1481-1495.
- Baker, M. (1995). *Canadian family policies: Cross-national comparisons*. University of Toronto Press.
- Bayoumi, M. M. M., Elbasuny, M. M. M., Mofereh, A. M., Assiri, M. A. M., & Alfesal, A. H. (2012). Evaluating nursing students' anxiety

and depression during initial clinical experience. *International Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 2(6), 277-81.

- Braithwaite, J. (2002). *Restorative justice & responsive regulation*. Oxford University Press on Demand.
- Brown, S. E., Esbensen, F. A., & Geis, G. (2010). *Criminology: Explaining crime and its context* (7th ed.). New Providence, NJ: Matthew Bender & Company, Inc.
- Collections of Correspondence and Manuscript Documents. *Mobilization for youth papers*. Library of Columbia university. retrived from http://www.columbia.edu/cu/libraries/inside/projects/findingaids/scans/pdfs/32_MES-MON_21.pdf
- Cullen, F. T., & Agnew, R. (2004). *Criminological theory: Past to present (essential readings)* (2nd ed.). Los Angeles, California: Roxbury Publishing Company.
- Currie, E. (1989). Confronting crime: Looking toward the twenty-first century. *Justice Quarterly*, 6(1), 5-25.
- Currie, J., & Thomas, D. (1995). Does Head Start make a difference?. *The American Economic Review*, 85(3), 341-364.
- Egbert RL. (1981). *Some thoughts about Follow Through thirteen years later*. Nebraska University, Lincoln, NB. (ERIC Document Reproduction Service No. ED244733).
- Esping-Andersen, G. (1990). *The three worlds of welfare capitalism*. Cambridge, uk: Polity press.
- Evans JH. (1981) *What have we learned from Follow Through?: Implications for future R & D programs*. Washington, DC: National Institute of Education. (ERIC Document Reproduction Service No. ED244737).
- Gibbs, J. P. (1987). The state of criminological theory. *Criminology*, 25, 821-840.
- Greenwood, P. W. (2006). *Changing lives: Delinquency prevention as crime-control policy*. University of Chicago Press.
- Gauthier, Anne H. 1996. *The state and the family: a comparative analysis of family policies in industrialized countries*. Oxford: Clarendon Press.
- Heckman, J. J., Moon, S. H., Pinto, R., Savelyev, P., & Yavitz, A. (2010). *A new cost-benefit and rate of return analysis for the Perry Preschool Program: A summary* (Working Paper, No. w16180). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.

- Huck, J. L., Spraitz, J. D., Bowers Jr, J. H., & Morris, C. S. (2017). Connecting opportunity and strain to understand deviant behavior: a test of general strain theory. *Deviant behavior*, 38(9), 1009-1026.
- Job Corps. (2017). retrived from https://recruiting.jobcorps.gov/downloads/what_is_job_corps.pdf
- Jun, S., & Choi, E. (2015). Academic stress and Internet addiction from general strain theory framework. *Computers in Human Behavior*, 49, 282-287.
- Kohut, J. (2019). *The application of general strain theory to college students and their misuse of prescription medication* (Doctoral dissertation).
- Kornhauser, R.R. (1978). *Social sources of delinquency*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Krohn, M. D., Lizotte, A. J., & Hall, G. P. (Eds.). (2009). *Handbook on crime and deviance*. Dordrecht; Heidelberg; London and New York, NY: Springer.
- Long, D. A., Mallar, C. D., & Thornton, C. V. (1981). Evaluating the benefits and costs of the Job Corps. *Journal of Policy Analysis and Management*, 1(1), 55-76.
- Ludwig, J., & Miller, D. L. (2007). Does Head Start improve children's life chances? Evidence from a regression discontinuity design. *The Quarterly journal of economics*, 122(1), 159-208.
- Maccoby, E. E., & Zellner, M. (1970). *Experiments in primary education: Aspects of project Follow*. New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc.
- McConnell, S., & Glazerman, S. (2001). *National job corps study: the benefits and costs of job corps*. Washington, DC: Mathematica Policy Research. retrived fom <http://cipre.mathematica-mpr.com/~media/publications/pdfs/01-jcbenefit.pdf>.
- Messner, S. & R. Rosenfeld. (2012). *Crime and the American Dream* (5th ed.). Belmont ,CA: Wadsworth, Cengage Learning.
- Messner, S.F. & R. Rosenfeld (2001). *Crime and the american dream*, Third Edition. Belmont, CA: Wadsworth.
- Messner, S. F., & Rosenfeld, R. (1997). Political restraint of the market and levels of criminal homicide: A cross-national application of institutional-anomie theory. *Social Forces*, 75(4), 1393-1416.
- Mobilization For Youth Papers, Review of papers, 1950-1965, articles, correspondence and proposals, box 79, Social Work Archives, University of Minnesota.

- OHS: Office of Head Start. retrived from <https://www.acf.hhs.gov/ohs/about>.
- Public Policy Research Centre of Hong Kong Institute of Asia-Pacific Studies (2008). *A Cross-National Comparison of Family Policy*. The Chinese University of Hong Kong. retrived from http://www.familycouncil.gov.hk/english/files/research/Cross_National_Comparison_of_Family_Policy.pdf
- Siegel, L. (2012). *Criminology*. CA: Wadsworth, Cengage Learning.
- U. S. Department of Health and Human Services. (2006). Head Start Program Fact Sheet.
- Vito, G. F., & Maahs, J. R. (2017). *Criminology : theory, research, and policy*. Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.
- Vito G. F., Maahas J. R. & Holmes R. M. (2006). *Criminology, theory, research and policy*. Boston: Jones And Barlette.
- Watkins, C. L. (1997). *Project Follow Through: A case study of contingencies influencing instructional practices of the educational establishment*. Cambridge, MA: Cambridge Center for Behavioral Studies.
- Weissman, H. (Ed.) (1969a). Employment and educational services in the mobilization for youth experience. New York: Association Press.
- Weissman, H. (Ed.) (1969b). Community Development in the Mobilization for Youth Experience. New York: Association Press.
- Weissman, H. (Ed.) (1969c). Justice and the law in the mobilization for youth experience. New York: Association Press.
- Weld, D., & Roche, S. P. (2017). A matter of time: A partial test of institutional anomie theory using cross-national time use data. *Journal of quantitative criminology*, 33(2), 371-395.
- Wilson, J. J. (2000). The high/scope perry preschool project. *Juvenile Justice Bulletin*, 11, 1-8.
- Yun, W. S. (2016). The impact of college students' job-seeking stress on depression and suicidal ideation: Based on Agnew's general strain theory. *Journal of Korean Public Police and Security Studies*, 13(1), 95-118.